

میناید عظام رهبر را حیات جدید بدیع عطا نماید  
 عالم را بکلمه متخیر نموده و مینماید او است مفتاح اعظم  
 عالم چه که ابواب قلوب که فی الحقیقه ابواب سماء است از  
 او مفتوح اگر شرح آن علی ما ینبی و یلیق له ذکر شود  
 بطول انجامد بکنجلی از غلبه آن در مراتب حب <sup>مباشراً</sup>  
 نمود کلمه مبارکه انا المحبوب در او مطبوع بحریب  
 دارا و جامع هر چه اراده شود از او ظاهر کرد تعالی  
 تعالی هذا المقام الاعلی الذی کینونة العلو و التهو  
 نمی عن و رانه محلاً مکیراً این مقامات از قلم اعلی حاجی  
 تا کل مقام ذکر الهی را بداند و این در همین را که اثمن از  
 ما فی الضیب و الشهود است در خزان قلوب با هم محبوب  
 حفظش نمایند انھی اینکه درباره جناب حاجی بابا  
 و مهدی حسین و حاجی حاجی علی از اهل ذل علم  
 بجاء الله ذکر نموده بودند تلقاء وجه عرض شد فرمودند  
 الحمد لله ایشان بعنايت حق فائز بوده و هستند انا  
 نوصیهم و اجابنی بما نظیر به ارواح المتوفین و نجلانی  
 ائمة الغافلین آنچه در کتاب امر نمودیم جمیع سبب  
 راحت و اطمینان اهل عالم بوده و هست انشاء الله <sup>اهل</sup>

بما بجمال روح ورجان بما حبه الرحمن عامل ومیشنول  
 باشند نور کلمه طیبه و عمل طیب عالم را روشن نموده  
 و مینماید طوبی للقائین انا نکر من هذا المقام علم  
 و علی احتیاتی فهناک و نذکر الامس و الجواد و نبرها  
 بذکری لها و انا الذکر المظلوم قد طال معنی بالکثیث  
 ابادی احتیاتی و لکن الروح فی فرج عظیم اینکه اراده  
 نمود بافق اعلی توجه نمایند از قبل و بعد امر این ارض  
 و حرکت سری آنرا اخبار نمودیم لذا فلم اعلی درامضا  
 کلمه اذن توقف نموده و اگر لوجه الله حرکت نمایند و در  
 حل شد اندر ارضی و شاکر بامی بوده و نیست انا نذکر  
 فی الالف و الثین الذین نبذوا و اوهام العباد عن و را  
 مقبلین الی الافق الاعلی بقوه مالک الاسماء بغالی فاطر  
 السماء الذی ایدم علی عرفان هذا الامر الذی ارتعدت  
 منه فرائص العلماء و العرفاء کذاک نطق فلی الایمی فی  
 معنی العظیم اید و منان از برای مرهک از شما بکنج  
 از کوثر حیوان بجهت کلمه مبعوث نمودیم و ارسال شما  
 نا از او بیاشامید و در انجمن عرفان بجمال روح و رجان  
 باسم محبوب عالمان فاطن باشید امر و زینبلیغ امر محبوب

فیهذا الحین  
 احتیاتی ؟

ولكن بحکمت و بیان تا کلمه الهی در ارض طیبه مفر باید  
 و سر سبز باید اید و سنان فتم با شرافات انوار آفتاب  
 معانی که از جوامر وجود پد قدر خود را بدانند و معانی  
 خود را حفظ نمایند جمیع تجار عالم در خوارت مبین <sup>شما</sup>  
 میشوند و انشاء الله شما باریج عظیم شامه شوید و  
 جمیع انچه الیوم منور است واضح و مکشوف در عالم <sup>مید</sup>  
 شامه گردد انشاء الله کل از رحمت استقامت پایشان  
 بشان بنگد اگر شیطان جمیع دسائش و وسوس خود  
 ظاهر شود او را معدوم صرف شامه نماید ای  
 دوستان امروز روز شامات بنوشید و بنوشانید  
 بحر حیوان امام و جبه متواج واقاب کرم امام بصیر  
 مشرف و لائح در جمیع امور بحکمت ناظر باشید تا  
 ضوضای غافلین مرتفع نشود انچه امر شده اگر موافق  
 حکمت نباشد باید در ذکر آن توقف نمود از اینکله  
 مقام حکمت واضح و میرمنک <sup>ل</sup> متکوا بما فی کل الاحوال  
 و کل را وصیت مینمایم بحفظ کتب و الواح باید  
 حفظ آن کمال جهد را مبذول دارند انخی  
 انشاء الله جمیع دوستان الهی از انوار شمس بیان

منور و مسرور شوند و بما امر و ابه فی الکتاب عامل  
 و در حفظ الواح الخیج الحقیقه باید کل احوال تمامند  
 چنانچه از قبل بعضی از دوسنان و آنکه اراده نموده اند  
 نمایند اول نوشتجات ایشان بدست افتاد این جا  
 نه باید عمل محکی از برای آیات الهی معین نمایند تا آن  
 مس ابادی نالایفه محفوظ ماند اگر چه لایسته الا  
 المطهر و ن بوده و خواهد بود و اینکه در باره جناب  
 امامت محمد و جناب اسناد اناجان علیهما السلام  
 ذکر فرموده بودند مخصوص هر یک لوح امین اند  
 از سماء فضل نازل و ارسال شد ای محبوب من فرشته  
 جاری و جبر متواج و شمس مشرف و لکن طالب لیل  
 و کباب و باید چنین باشد چه که لؤلؤ معانی را  
 بی بصری لاین نه و جوهرین را هر بجزدی قابل  
 باری اسند عا انکه از قول اینتفان خدمت آن دو  
 عزیز نکیر برسانند و همچنین دوسنان که از قبل  
 بطران عنایت محبوب حقیقی نافر شدند لعمریه محبوب  
 و محبوبکم و محبوب من فی السموات و الارض معا و له  
 عنینا بد بکلمه از کلمات الهی ما ادکنه العنق و

رائه العيون بشارت دهند و در لوح مبارک افلاک  
 را ارسال دارند تا صدر منشرح و قلب منور نفس  
 فارغ و وجه منیر و بصر حدید گردد و همچنین ذکر تفسیر  
 موسومین بجناب اسناد اممیل و نایب رضاحب  
 الاستدعای جناب حاجی بابا علی و علیهما بجا آید  
 در مساحت امنع اقدس ارفع اعلی عرض شد مخصوص  
 مریدان از ایشان لوح ابدع ابی از ملکوت عنایت  
 ربنا العلی الاعلی نازل و ارسال شد انشاء الله ان  
 مرحرفی و از مرکله ازان نعمت ابدی و ماندنی  
 اخذ نمایند و اینکه در باره جناب اقا محمد ابراهیم  
 بومنی مرفوم داشته بودند عرض شد و از آفتاب  
 حقیقت اشرفیات و تجلیات آن بصورت لوح نازل  
 هبتا لمن رآه و فریته و بفریته و بجد منه عرف الله  
 العزیز العظیم و اینکه در باره جناب اقا الیاس  
 علیه السلام از ابناء خلیل مرفوم داشتند و مکتوبیکه  
 با ایشان ارسال داشته و ارسال نموده اند این تفصیل  
 و آنچه در آن مکتوب مذکور بود تلفات و جبر قدم  
 شد بلی لوح مبارک که حاوی ملکوت بیان بود

مخصوص ایشان نازل انشاء الله از آفتاب بیابان رحمت  
 روشن شوند و از کوه جبار پیر در انحراف معانی بیابانها  
 و اینک در باره جناب افاضت با فرطیه و در نحو  
 ایشان الذی سعد الی الله نوشته بودند در مساحت  
 امین اقدس عرض شد یک کتاب مبین بصورت یک  
 لوح ظاهر و اریال شد تا از دریای علوم مکتوبه در  
 کلمات سلطان آیات قیمت برند و اینک ذکر جناب  
 شهیدی علی اکبر و پسر خالو ما انا محمد و انا اسم و جناب  
 انا جواد ذاکر و بندگان علیهم بجا الرحمن نموده بودند  
 کل در مساحت اقدس عرض شد نسبت بمرکز آفتاب  
 عنایت مشرق و لایح انشاء الله کل بما اراده الله فان  
 باشند و بحبل اتحاد مهتک لبظهر فی الملك ما الشیخ  
 بر الافئدة و القوم اگر ناس غافل مطلع شوند بر اینکه  
 حق جل جلاله در این ظهور اعظم چه اراده نموده جمیع  
 عباد از امر او علما و جملا و فضل و اغنیاء بافق اعلی نوحه  
 نمایند ایگاش حضرت سلطان ایران فی الجملة نوحه  
 میفرمود و بر آثار سدره ظهور اطلاق میبافت چه فایده  
 که علای ظاهر و بعضی از نفوس مانع این مقامند

حجاب این امر باید کل از حق منبع سائل شوند که بیعی  
 از اسباب آنحضرت را از در پای آگاهی بنوشاند آنکه  
 هو القدر و نفسه الحیبر و اینکه ذکر جناب اقا محمد  
 و اصل و ابن ایشان علیهم بجا آید و راه نموده بودند از  
 این فتره کمال مترت حاصل ظل علم استقامت ازان  
 بیت مشاهده شد محبوب امکان فرمود عرف <sup>شد</sup> بیوت  
 و رنوخ و استقامت انشاء الله ازان جمع منضوع <sup>مغنی</sup> با  
 مکتوبی باسم ضلع ایشان علیها بجا آید الله بجائی رفت  
 و از اینجا با پنجا آمد فی الحقیقه عرف استقامت ازان <sup>ساطع</sup>  
 بود و این مقام بسیار بزرگت طوبی لها و لمن کتب  
 هنیئا لها و لمن جرى من قلعه ما حکى عن الحق و الصدق  
 خدمت کل عرض قفا و نبی معروض میدارم و اینکه  
 مرفوم داشتند جناب اقا میرزا محمد حسین خا در بیت  
 جناب که د علیه بجا آید الله منزل دارند انشاء الله  
 بنیابت حق در جمیع احیان فائز باشند عراض و  
 دستخطهای جناب که د علیه بجا آید الله و احد بعد  
 واحد در مواقع مخصوصه تلقاء وجه مالک احد عرض  
 شد در هر کتبه اقباب عنایت مشرف انشاء الله بما

بجهت الله عامل باشند و بذكرش ناخون باید دوستان  
 الهی که از رحمتی بیان اشامیده اند بکمال حکمت در  
 تبلیغ امر مجید تبلیغ مبذول دارند این فقره اتم است  
 و بسیار بزرگ و لکن بجمکت لئلا یرتفع نطق التاعین و  
 ضوضاء الغافلین و همچنین مخصوص جناب ضیفا ایشان  
 یک لوح امنع اقدس نازل و ارسال شد و لکن ارسال  
 رسائل و اقوال الواح و ارسال آن هر قدر در آن آرا  
 مستور باشد اقرب بتغوی و حکمت بوده و خواهد بود  
 در این فقره ملاحظه حکمت لازم بل واجب چه اگر کثیر  
 نماید شاید سبب ضرر و منع گردد و شاید ضرر ببدنه  
 مبارکه الهیه را جشود در جمیع احوال حکمت مفید  
 و اینکه مرفوم داشته بودند محبوب روحانی جناب  
 نبیل ابن نبیل علیه من کل بجا اجماع مذکور داشتند که  
 خاله والده اما محمد تقی و خود جناب مذکور و همسر عا  
 ایشان اسند عاموده اند ذکرشان در مساحت ایشان  
 عرض شود عرض شد و امطار رحمت از سماء بیان در  
 مخصوص هر یک نازل میباشد و لکن در پیشا الاحباء الله  
 و اماه طرا و اینکه در باره جناب امم و وج علیه



بجاء الله الابي ذکر نموده بودند انشاء الله هر مقام  
 و هر محل و هر ديار شريف دارند در ظل عنايت حق  
 جل جلاله باشند و با جاي افتد و فلوب مشغول  
 انشاء الله خدمت حضرت ايشان ارسال ميشود آنچه  
 مدال بر عنايت و فضل و شفقت محبوب عالمان است  
 يك لوح امنع اندس مخصوص جناب انا مبرز اجيب الله  
 خوناري نازل و ذکر بعضی از اوليای حق در آن  
 مذکور خدمت محبوب جناب ملا علی اکبر عليه بجا الله  
 مالك الفد ر ارسال دارند که ايشان بعد از مشاهده  
 ارسال نمایند البهاء الظاهر الطالع الناطع المرفق  
 اللامع عليك يا محبوب فؤادي وعليه وعلى اوليائه  
 الله المفضلين والمحمد لله رب العالمين روحى لذلك  
 الفدا و تحببك الفدا ولاستقامتك الفدا مجد عرض  
 ميشود جميع مطالب مذکوره که در دستخط انور محبوب  
 جناب س م عليه بجا الله الابي بود واحد بعد  
 واحد جواب عرض شد و مخصوص اسامی مذکوره  
 از سماء عنايت مالك احدته الواح مقدمه مبارکه  
 نازل و ارسال انشاء الله کوس هياكل نفوس محل الان

و قابل واقف شوند از برای قبول امطار رحمت رحمتی  
 که از سحاب سماء مشیت جاری و نازل است و از حق تعالی  
 شانه سائل و آمل که شکر و حمدی که از ان مخلوق  
 مقابل نعمتهای بیمنهای حق ظاهر میشود بطراز قبول  
 فائز گردد و جمیع را بعنايت و شفقت مخصوص فرماید  
 و در این فائز را منع نماید ان الله هو العفو الرحیم الرحیم

العطوف البائل العلم الحکیم خدام

جناب محبوب مکرم سمندر علیه بجا، الله

بیم ربنا الافدس الاعظم العلی الاهی عرض میشود  
 صورت مطالب جناب حاجی محمد علی و لبانی علیه  
 بجا، الله که جناب محبوب مکرم جناب سمندر علیه  
 بجا، الله و عنایت تزدان محبوب ارسال داشته اند  
 در مساحت امنع افدس اعلی عرض شد اینک در باره  
 جناب ابن خان ایلچی نوشته بودند پس از عرض این

کلمه علیا از مطلع بیان مالک وری نازل و ظاهر <sup>فوله</sup>  
 قد سمعنا ما اراده من الله رب ما یری و ما لا یری و  
 اجیناه فضلا من عندنا لفرح و بکون من الشاکرین  
 له ان یقول سبحانک یا من باسمک ظهرت لئالی مجود

و رب العالمین

العلم والعرفان واشرف شمس المحكمه من افق سماء البقا  
 امثلك بان تجعلني مرتبنا بطرا از رضائك الذي كان  
 امل اصفيائك وامنائك هذا مقام لا يعادله مقام في  
 مملكك وعمل لا يقاس بعمل في بلادك ثم اسئلك يا الله  
 العالم والظاهر بالاسم الاعظم بان تكتب لي من قلمك  
 الاعلى ما ينفعني في الاخوة والاولى انك انت مالك  
 الاسماء وفاطر السماء ارب رب لي ذرية طيبة برئتي  
 في البيان انك انت المقدر على ما تشاء وفي قبضتك  
 زمام الاشياء لا اله الا انت العفور الكريم اولاد اكرم  
 از نعمتهاي بورك الهى است واذا ثمار شجرة الانسان و  
 لكن برحمتك ان ومدت بقاى ان احدى من حى جبل  
 جلاله مطلع نه انا نخرجك بثمره جنينه با فيه دائمه و  
 هي في هذه الايام كلمة الله المطاعه واوا صدق  
 اولاد احب وافضلت چه كه بطران بقا مرتين اكر مالك  
 بك كله شوند از نود او مالك كل خير خواهند بود طو  
 از براى نفسيكه با ثمار شجرة قلم اعلى فائز شد انهم  
 في الحقيقه امر و زمنتب بحق جبل جلاله است و در كل  
 كتب يوم الله موسوم جميع من على الارض بذكرى

ازاد کار و کلمه از کلمات که از افق اراده مالک اسماء  
اشراق نموده معادله نماید شرح این مقام عزیز کبریا در  
عزیز جان منور اگر رمزی از ان ظاهر شود لعمر الله  
کل بیان طالب و مشتاق مشاهده شوند انشاء الله  
بعنايت حق فائز باشند و بطران استقامت مرتين <sup>بينت</sup>  
افضل اعمال نزد غنی منعال و همچنين <sup>جانب</sup> کربلای محمد <sup>ص</sup>  
که اذن توجه ببطرس <sup>بودند</sup> سخن خواسته <sup>تلقاء</sup> وجه عرض <sup>شد</sup>  
هذا ما ماج به جبرالبيان في الامكان قوله جل وعز يا  
محمد انشاء الله بعنايت حق فائز باشی جميع عالم از برای  
این يوم خلق شده اند و در کتب اسمانی کل بقاء الله  
و ظهوره موعودند جميع السن و افلام از وصف این  
يوم مبارك عاجز و فاصلاست این است ان ابا مېکه مېفرما  
ان اخرج القوم من الظلمات الى النور و بشرهم بايام الله  
و همچنين مېفرمايد الملك يومئذ لله معذلك چون  
اقتاب ظهور از افق اراده اشراق نمود و انوار وجه  
عالم را منور ساخت كل غافل و محجب مشاهده گشتند  
الا من شاء الله معرضين به ان که بالمره انکار این فضل  
اعظم و فیض اکبر نموده اند و حق جل جلاله از ان نفوس <sup>جبر</sup>

اخبار فرموده بقوله تعالى وهم في مرتبة من لقاء الله  
 رحيم اذكار منزلة دركتب الهی در ذکر و ثنای این یوم  
 مبارک نورانی واضح و اشکارات و لکن کل ان خمر غرق  
 بشأت غافلند که بقطره از بحر معانی فائز نشدند اندر  
 لهم بما نبذوا الانصاف واخذوا الاعنات فی یوم فی  
 تکلم مکلم الطور و احاطت انوار الظهور و نطقت ال  
 الملك لله مالک العرش والری و رب الاخرة والاولی  
 یا محمد اولیا طالب و مسجون هم طالب و لکن اصل نفاق  
 حائل انوار اقباب عدل خلف محاب ظلم مسوراوان  
 برای اصلاح عالمه مخصوص لغا ظاهر شده و لکن  
 محجبین و غافلین مانع شده اند فل سجانک یا من <sup>بظهور</sup>  
 ماج بحر الوصال و ظهر حکم اللقا و برد ما کان مطورا  
 فی الزبر و الألواح اسئلك بانوار وجهک الی بما  
 اشرف الارض و الیتماء بان توفی فی علی الاستقامة علی  
 حبک و تؤید فی علی ما عبت و فرضی یا من فی فضلك  
 ملکوت الاسماء ارباب انا الذی اقبلت الی افوق فضلك  
 و نثبت بذیل عطائک اسئلك بان لا تحرمنی عما  
 عندک ارباب ثرائی فرذا و انت خیر الوارثین فذری

ما اردنه بجودك وافضالك وما ينفي فيكل عالم من  
 عوالمك انك انت المهمن الذي لا تمنع شونا خلقك  
 والمقدر الذي لا تضعفك مطوة عبادك لا اله الا انت  
 المعطي الياذل الغفور الرحيم ارب رب اسئلك بان تكتب لي  
 اجر من اراد شطر التين باذنك وتوجه الى وجهك الى ان  
 فان بلغائك ونام لدى بابك وسمع اهانك ارب رب انا  
 المحتاج وانت الغني الغالب المقدر القدير لا اله الا انت  
 العليم الخبير انهي الحمد لله اشراقات انوار اقباب  
 فضل نه بجدت كه محتاج بذكر اين خادم فاني باشد  
 وسط زوال مشرف ولائح وجميع حيايق اشياء متوجرو  
 مبدائع ذكرش مترتم افوس اين خادم ازانت كه يك كوش  
 لايق اين ندانه صد هزار كوش از جوهر موش بايد خلق  
 شود تا بايچه سزاوار است فائز گردد ابد وستان بجا  
 محبوب كه امروزه روز سمع وبصرايت از حق اين خادم  
 فاني مطلبد كه اذن واعيه عنايت فرمايد تا ان  
 حلاوت اين ندا ممنوع نشود وبصر حد يد عطا تا  
 تا ان مشاهده انوار وجه محروم نكردد كل شئ في فضله  
 وكل الفضل بطوف في حوله اسئله تعالى بان يجعلنا

من الناظرين التامعين الثابتين الراغبين المستفيدين  
 روز روز ذکر و ثنائت انشاء الله ما پوس نشویم و  
 محروم بنایم و همچنین ذکر جناب امام مریزا اسمعیل از فراء  
 سا و جلاغ بود این فراء هم بشرف اصحاء مالک اسما  
 فائز و لسان عظمت با اینکلمات حکیمات ناطق قوله جل جلاله  
 بسمی الظاهر المنور با اسمعیل عالم بانوار وجه منور و لکن  
 چشم بسیار قبل بوده و صفت ندای رحمن در کل احیاناً  
 مرتفع و جمیع از او غافل فرودن اولی بیک ان این امام  
 معادله نماید چه که این بوم عزیز در جمیع کتب بحواله منسوب  
 است و بیوم الله مذکور طوبی از برای نفوس سبکه الیوم  
 از بحر حیوان اشامیدند و از فوضات فاضل حقیقی  
 محروم نکشند هر علیکه الیوم الله ظاهر شود او تبتد اعمال  
 است بشهد بذلك من عند ام الكتاب جهد بما که شایسته  
 فائز شوی با آنچه که منرا و از این امر اعظمت خدام  
 این امر شویس بوده و خواهند بود تفکر فی عظمت و سلطنت  
 و کن من الشاکرین انمی و همچنین ذکر جناب مشهد  
 محمد ثقی اشتهاردی نموده بودند که ثانی بانوار ایفان  
 فائز شده اند بعد از عرض این لوح امنع افدس محضون

ايشان نازل قوله جل كبرياءه هو الحاضر الناظر شهيد الله  
 انه لا اله الا هو والذي ظهر بالحق انه هو البحر الأعظم  
 وسماه الفضل ومطلع انوار العدل ومشرق الوحي و  
 مطلع الالهام لمن في العالم طوبى لمن سمع وسمع وتمت  
 بحبله المثين وثبت بذيله المنبر يا محمد قبل نفي فلدينا  
 ندائك اجيبناك لعل نجد من بيان ربك الرحمن يا جيبك  
 مستفيما على هذا الامر الأعظم العظيم طوبى لوجه نوح  
 ولقلب فصد الفصد الأعلى ولبيد غمك بالعمرة الو  
 الذي ينطق بين الارض والسماء وبيش الكل مجدا  
 الشهور الذي اذا ظهر نطق مدرة الطور فداني  
 مالك النور الذي به تقع في الصور وانصق من في  
 الارض والسماء الا من شاء الله المقدر القدير انك  
 اذا سمعت ندائي وقرت بيباني قل يا مالك ناصيني  
 اسئلك بتفك العليا بان تحفظني من سهام الأعداء  
 الذين نفضوا عهدك وميثاقك وكفروا يا بانك ابر  
 كنت غافلا حركتني بدعائيك وكنت نائما مزمتني  
 ارباح جودك اسئلك بان تجعلني مستفيما على حبك  
 انك انت الله لا اله الا انت العقور العزيز المنيع اتقى



وهنّين ذكر جناب اقامه رعا عبد الرحيم اهل كهر برك  
 در صورت فهرست بوده بعد از عرض در ساحت امنع  
 اقدس اعلى شمس بيان از افق ملكوت الهى بر هبست اين  
 كلمات عاليات تجلى فرمود قوله جل جلاله هو المولى <sup>تعليماً</sup> اياك  
 المحكم يا عبد الرحيم بذكر كرك الرحيم من شطر التيجن <sup>ويعود</sup>  
 الى الله الفرد المنجبر اياك ان تمنعك شؤنات العالم  
 عن هذا الفضل العظيم دع ما عند القوم وخذ كما  
 الله بقوة من عند وقل لك الحمد يا الله العالمين انى  
 قد كنت غريباً فى بحر الغفلة والهوى انقدتني يد  
 فضلك يا مالك الاسماء اسئلك بشموس اياك وبحور  
 بيانك والمعاني التى ما اطلع بها الاعيان بان يجعلني  
 في كل الاحوال ناظراً اليك وشوئها الى وجهك و  
 ناطقاً بشأناك وساجداً عند ظهور عظمتك وخاصماً  
 لبروز سلطنتك اربت انا الذى فصدت المقصد <sup>على</sup>  
 والغاية القصوى والذروة العليا عند تجليات انوار  
 شمس ارادتك اسئلك بان تفرقني اليك وتوقفني <sup>على</sup>  
 ذكرك وشأنك والعل بما اقرئت في كتابك اربت قد  
 جئتك بجبل من العصيان وانز بكنوشه بطلب منك

العقران یا من یاسمک الرحمن فزین الامکان اسئلتک  
 بان لا ینحیب العبد الذی سرع الی بحر فضلتک ونوتمه  
 الی افق عطائک ادعوتک یا مولی العالم والظاهر بالک  
 الاعظم بان یجعل عافی فی فیکل الاحوال جزا یجودک و  
 احسانک انک انت المقدر علی ما نشاء تفعل و تحکم  
 لا اله الا انت الفضال الکریم انھی الحمد لله جناب  
 مذکور بذکر حق جل جلاله فائز شد ندانشاء الله و  
 جمیع احوال بذکرش مشغول باشند و بنیادش ناطق  
 امروز کورند کانی ظاهر و روح حقیقی موجود  
 جهد نماید تا از این فضل بهیمنی تمت برید و بنیادش  
 مالک اسما فائز شوید این روز مبارک را شب و نظر  
 نبوده و نخواهد بود آنچه فوت شود ندارد ان محال  
 این خادم فانی شب و روز اسند عا مینماید که حق  
 جل جلاله جمیع را مؤید فرماید ان جواد کریم لا اله الا  
 هو الفرد الواحد الہیزن الحکیم و همچنین ذکر جناب ملا  
 محمد علی و یاقی دران و در مذکور هذا ما قول من  
 لدی الله الغنی المنعال قوله عن کبریاؤه بسمه الخور  
 الکریم کتاب اقره الرحمن لمن فی الامکان بقریم الیه

انه هو الحق علام الغيوب يا محمد قبل على ان اشهد بما  
 شهد الله ان لا اله الا هو الكهين القوم طوبى لمن فسد  
 الوطن الا على ولمسكين اقبل الى بحر التناء ولطالب بنود  
 بانوار المطلوب صنع العالم باسمي الاعظم وخذ كتابي الذي  
 نزل من سماء مشبه رتبك العزيم الودود انا اظهرنا الا  
 واقولنا الايات ولكن الناس هم لا يفقهون فداخذوا  
 اصول انفسهم ونبذوا اصول الله عن وراثة الامم  
 لا يشعرون خذ كأس الجرفان باسم ربك الرحمن انا  
 ان تمنعك اشارات العلماء عن هذا الفتح المنوع  
 فاشرب منه رغما للدين كفر ويا الله مالك الوجود فاسئل  
 الله بان يؤيدك على هذا الامر ويقر بك اليه ان  
 ربك هو الفرد الواحد العزيز المحبوب كذلك دلي  
 الديك ونطق سان الوحي طوبى لمن سمع وبل لكل  
 غافل مردود انهي ومجيبين ذكر جناب مشهدي  
 على ساكن طالقان باصغاء محبوب عالميان فائز لنا  
 قدم در باده او باينكلمات عاليات ناطق قوله تعالى  
 يا على ذكرن در عين اعظم باصغاء مظلوم فائز حمد كن  
 محبوب بكانه راكه نور مؤيد فرود بر عرفان كنز

مکتون و غیب مخزون الّذی منعت الابصار عن النظر  
 الیه و اللبان من ذکره و الافئدة عن ادراکه و التمع  
 عن اصناء اہامہ ہواہای نقاشہ و ثروت فانیہ  
 را از مطلع نور احدیہ منع نموده الا من شاء الله باعلی  
 ندای مظلوم را بشنو و اصنام موهوم را با اسم فہوم بشکن  
 یعنی ظنون و اوہام را با نوار یقین مبدل نما این ظہور  
 اعظم محض اصلاح عالم ظاہر شدہ فساد و فساد ممنوع است  
 باید نفوس مقبلہ بجمال روح و روحان با اہل امکان  
 مباشرت نمایند الامر یبدا لله بفعل ما یشاء و بحکم ما یرید  
 و هو الغزین المجد انھی فضل و عنایت و مکرم  
 حتی جبل جلالہ بمقامی رسید کہ اگر جمیع عالم خود را در  
 سببش فدا نمایند ہر اینہ فطیل بودہ و خواہد بود  
 یشہد بذلک ما نزل من سماء عنایتہ لا و لآئہ نعیم  
 لمن کان و ویل للغافلین الحمد لله رب العالمین و این  
 آیات یتنات مخصوص جناب حاجی محمد علی و لہای  
 علیہ ہما الله کہ اسامی نفوس مذکورہ را ارسال در  
 نازل انشاء الله از کاس عرفان بیامشامند و بما اراد  
 الله فامز کردند قولہ تعالی هو الناطق العظیم با

محمد قبل علی مخصوص صریح از نفوس مذکوره در روز  
 ایات بدیعه منبغه از سماء مثبت الهیه نازل وارثا  
 شد انشاء الله با بصارت مقدس از عبار او هام و رمد  
 ظنون مشاهد نمایند و بالن طفله صادقه فرشت  
 و باذن واعیه بشوند اگر نفسی فی الحقیقه با سماع یک  
 از ایات الهی موفق شود البتہ اورا جذب نماید و بمقام  
 مقدس از اوصاف عالمیان هدایت فرماید بشوند  
 مظلوم را و بکمال روح در جهان بندگش مشغول باش  
 تا بد خلق غافل مندگشوند و سبب و علت غائی  
 خلقت را بیابند انہ یهدی من یشاء الی صراطہ المستقیم  
 جمیع احزاب بشانی بر تیب اسباب همت کاشند اندک  
 انسان از ذکرش عاجز است مع آنکه در هر جن دینا  
 مینماید و میگوید ای پر ادم زود است برابر راجع شو  
 و زخارف و ثروت و عزت بنو و فائده چنانچه با حد  
 قبل از تو و نمانده طوبی لك يا محمد قبل علی بما قرئت  
 بايات ربك التي لا تعادله خزان العالم ان اشكر ربك  
 العصور الكريمة فاسئل الله بان يكسب لك اجر لقائه و  
 من طاف حوله وحضر لذي باب الذي فتح على من كفى

السموات والأرضين البقاء المشرق من افق البقاء عليك  
 وعلى الذين فازوا بهذا الأمر الأعظم وقاموا على خدمة  
 الله رب العالمين انتهى در آخر ورثه ذكر جناب نايب  
 رضا از ارض اش شده بود بعد از عرض در ساحت  
 اقدس ابن ايات با هرات مخصوص ايشان نازل انشاء الله  
 بمرف كلمات الهى فائز شونند و بما ينفعى عامل قوله تعالى  
 هو انا دى بين الارض والسماء بارضا بذكر المظلوم  
 من شطر الجن فضلا من عنده ليقربك الى الله العزيز  
 الوهاب قد ازلنا الايات على شأن طافت حولها الحجة  
 والبرهان ولكن القوم فى مرهب وشفاف قد جاء الوعد  
 وظهر الموعد طوي لمن سمع النداء واجاب مولاه و  
 لكل غافل مراتب كم من عبد نوح لفراف اليوم فلما انار  
 افق العالم بانوار وجه اسمى الأعظم نقض ميثاق الله و  
 لعنه بما اتبع كل هج رعاع قد سمعنا ندائك وما اردته  
 من بحر الفضل ان ربك لهو المقدر على ما يشاء يعطي  
 بمنع وهو العزيز الفضال قد غفرك الله فضلا من عنده  
 وغفرا بك وانه لهو الواهب العقار باسمه ما ج بحر الغفران  
 فى الامكان وفصد كل فاصد المقام الذى جعل الله

اعلى المقام اباك ان تمنعك شبهات الدنيا عن مالك  
 الورى دع الطين لخرطين الارض مقبلا الى الله مالك  
 الرقاب انا نسئله تعالى بان يقدرك من قلبه الاعلى  
 ما ينفعك ونفرت برعبك امر لهو المقدر الخبير بالعلام  
 ليزل ولا يزال حتى جل جلاله رجاء ملين وعاملين راجيا  
 فرموده اگر وفی از اوقات ناخبر باید این از حکمتها  
 بالغه و خواهد بود طوبی از برای نفسکه هیچ شایسته  
 بشون اورا از حق منع ننوده انر سمع ندانك وقدرك  
 ما اراد انر لهو الغفور الکریم ان افرح بهذا الذکر الاعظم  
 وقل لك الحمد يا من ذكرني في سجنك العظيم انا تكبر  
 من هذا المقام على اولياء الله واصفيائه ونبشهم برحمته  
 التي سبقت العالمين انتهى ابن خادم قاني خلد  
 جميع دوسنان الهی عرض قنا ونبش معروض مبدار انشاء  
 الله بنور استقامت منور شونند بشايبك اهل نبی و  
 رامفقود دانتد و معدوم شهرند امرون در بازار دانا  
 کور استقامت کران بما است جواهر عینه عالم باو معادله  
 نماید طوبی از برای نفسکه باو فائز شد واوراد  
 خائین و سارین محفوظ داشت ان ربنا الرحمن هو اللد

المعلم الیتمیع البصیر ان محبوب رحمت کشید ابن ورفرا  
 نزد محبوب مکرم جناب سمندر علیه بجا الله مالک  
 القدر ارسال دارند و ایشان نزد جناب حاجی مذکور  
 بفرستند تا کل از بحر عنایت فتمت برند و بصبیب برودند  
 العاقبة للمتین والمحمد لله رب العالمین و همچنین <sup>سخت</sup>  
 دیگر ایشان که تاریخ آن ۲۹ صفر و نمره ۳۹ بود آن  
 محبوب ارسال داشتند مانی بود که بر شعله نار اشتبا  
 افتزود ماء چه دهنی بود که قوه اشتعال حقیقی در او  
 مسور اگر ماء بود مانی بود که اصل صنعت او را بقاء الهی  
 تعبیر نموده اند چه که اجساد محترق را بمقام ذهی رساند  
 و اگر دهن بود دهنی بود که مقام اعتدال بر اجساد عطا  
 نمود باری بعد از مشاهده و اطلاع فصد مقام مانی  
 ابداع شد و فقره بقره تلقاء وجه معروض گشت هذا  
 ما نطق به لسان البیان فی ملکوت البرقان قوله  
 تعالی و تقدس الله ابی باسمندره کویبکه باسم جود  
 ارسال نمودی عبد حاضر در این جن تلقاء وجه <sup>عز</sup>  
 مؤد و سنان را از قبیل مظلوم تکبیر برسان جناب  
 نبیل علیه بمانی لدى المظلوم مذکورند انشاء الله



با آنچه از تزوج ما مورد بکمال فوت و استقامت عمل  
 نمایند یعنی بکلمه الهی ناطق باشند و همت را در واقع  
 به امر الله مصروف دارند و همچنین جناب عنده لب و  
 سایر دوستان رش و اطراف آن کل را بعنايت حق  
 بشارت دهد لحاظ عنايت منوَجِبَر ایشان بوده و <sup>نشاء</sup> و  
 خواهد بود انهي عرض خلوص ايتقانی را خدمت <sup>ور</sup>  
 معظم جناب نبیل جلیل علیه بجا و الله الایمی برسانند  
 الحمد لله فائزند بعنايت و الطاف مقصود عالمیان و  
 خدمت جناب حبیب روحانی جناب عنده لب علیه  
 بجا و الله و عنايت نکیر مقدس از خدمت معروض <sup>ایم</sup>  
 چند دستخط از ایشان رسیده جمیع عرض شد اقباب  
 عنايت نسبت با ایشان مشرف و لائح و لکن این عجب بسیار  
 محجل است از ایشان چه که بر جواب آنچه ارسال فرمودند  
 حال مؤید شده و این بسبب آن است که فرصت بمشابه  
 عنفا در اطراف عالم ناپاب و مفقود معدلک از فضل  
 و عنايت حضرت مقصود امید و ادم که موفق شده  
 جواب عرض نمایم خدمت ایشان و جمیع دوستان که  
 در انحضرت و اطراف موجودند نکیر و سلام میرسانم

عرابی که از آن با جناب ناظر علیه بجا آمده بود رسید  
 و جواب از سماء مثبت الهی نازل انشاء الله ارسال  
 میشود و اینکه درباره جناب ملا صادق علیه بجا  
 الله مرفوم داشته اند مکروب ایشان از طریق  
 اس رسید انشاء الله جواب ارسال میشود <sup>حسب الامر</sup>  
 اگر شخص عاقلی که مبتین باشد و لسان ترکی بداند  
 براغه وار و مته و اطراف آن لاجل تبلیغ عازم شود  
 بسیار محبوب و هر هنگام چنین نفسی یافت شود باید  
 توجه نماید باغچه ذکر شد چه که امر تبلیغ بسیار مهم  
 و عظمت طوی لمن ائده الله الیه و لکن باید بحال  
 حکمت رفتار شود و اطفال را با اندازه غذا عطا نماید  
 و از منقضیات وقت و نفوس غافل نشود <sup>اندر هو الموبد</sup>  
 العظیم الخیر و اینکه درباره افاضان سادات خیمه  
 علیهم السلام مرفوم داشته بودند در ساحت امنع  
 اقدس عرض شد حسب الامر بحضرت امم الله زمین  
 المفترین علیه من کل بجا آمده نوشتند شد اگر کتب  
 موجود باشد بیجمل ارسال دارند و الا بنویسند و  
 بفرستند و تفصیل ارسال و جرم خدمت ایشان

نوشته شد و جناب ناظر علیه بجا آمده و همی باین  
 عید دادند که ارسال دارد و لکن تا حال نفسی با این شطر  
 توجه نموده که ارسال شود و در باب کتب ایشان  
 نوشته شد و ارسال میدارند که مأمور شده اند  
 اسناد عا انکه خدمت ایشان هم از قول ایتفانی تکبیر بریاستند  
 از حق مبطلیم جمیع را موفق فرماید بر آنچه که عرف بقا از او  
 منضوعت و اینکه مرفوم داشته اند الیوم در منزل  
 جناب مهدی علی اکبر علیه بجا آمده مع جمعی حاضر  
 شدیم نبیالم و طوبی لم انشاء الله اهل ان مجمع از اهل  
 ملکوت لدی الله محسوب شوند و همچنین ذکر جناب کت خط  
 علیه بجا آمده را نموده بودند ذکر ایشان در مساحت  
 اندس بوده مخصوص بعد از ارتفاع صد در ایران کله  
 در باره ایشان نازل شده که اگر بدوام ملک و ملکوت  
 بنای آن ناطق شوند هر اینه قلیل بوده و خواهد بود  
 تفصیل اجتماع در بیت مذکور در مساحت امین اندس  
 عرض شد قوله تعالی **تته در الدین متکوا بما ینفع**  
**بیر الله و ذکره اولئک من اهل الفردوس الاعلی**  
**فی کتاب مبین انا نذکرهم و الذین امنوا بالله رب**

العالمين باحباء الله عليكم بالحكمة والصدق والامانة  
 وبقوى الله مقصود العالمين ان اشكروا الله بهذا الذكر  
 الاعظم انه فضلكم وعرفكم سبيله المينقيم البهاء من  
 لدنا عليكم وعلى من فان بهذا المقام الكريم ونذكر  
 الكاف قبل الدال الذي كان مذكورا في الكتاب بغير  
 من هذا المقام عليه ونوصيه بما ينبغي لا يام الله مالك  
 الرقاب انا ذكرناه واترنا له ما قرنت به الابصار  
 ورسلا اليه وعدا من لدنا وانا العزيز العلام اعني  
 دوسنان از عنايت الهي بامر عظيمي فان شديدا قد  
 رايدانند ومقامات خود را بشناسيد وصفت بنام  
 شمارا بجملة مقامات خود ان ربكم الرحمن هو الناصح  
 الجبر طرف عنايت بشا منوجه وفرايت رحمت جاري  
 وايات فضل نازل بكمال اتحاد واتفاق بشكرونا  
 دوست بكنائطون وذاكر باشيد البهاء عليكم والرحمة  
 عليكم والعناية لكم انهي باين ذكرا عظم كه جميع  
 اذكار فزوش معدوم صرفت اتفاق معدوم چه  
 عرض نمايد في الحقيقه از براي احدي مجال ذكره لو ينعقد  
 في امر الله من في السموات والارضين البهاء على

حضرتکم وعلی من ارسل الکتاب وعلی من معنی باسمکم  
 وعلی نبیل بن نبیل وعلی الذین فازوا بعرقان الله  
 رب العالمین

هو الله تعالی شأنه الکریم والعطاء در این حق بنظر  
 اینفاتی آمد که فتره عرض شود در باره اشیا مرسله  
 از نزد وستان الهی تا این ذکر سب و علت فرج  
 و اینهاج گردد لذا عرض میشود که آنچه مرتقی ارسل  
 نمود بموجب نوشته تمام رسید و تفصیل در ساجت  
 اقدس عرض شد و کل بطران عنایت و ذکر حق جل  
 جلاله فائز گشتند از ثمر باغچه ان محبوب که مخصوص  
 بحضور فائز چند دانه تناول فرمودند باری جمیع  
 بنیابت فائز گشتند در جمیع احوال باید نعمتهای الهی  
 را ذکر نمایم و عنایاتش را مشاهده کنیم و بشکر و ثنا  
 ناطق شویم طوبی لنعمة حضرت و فائزت بالقبول  
 و طوبی لنفس ذکر و فائزت بعنايته الحبوب این  
 خادم فانی مخصوص این دفتر را نوشته ارسال داش  
 تا اولیا و اوران و امام الهی کل سرور شوند و ان

در پای عنایت حق بیاشامند و با حق ذکر مند ذکر کرده  
 مقصود اظهار فیوضات قباض حقیقی و عنایات الهی بود  
 و هست انشاء الله جمیع ان ارض و اطراف آن بر خوان فضل  
 حاضر شوند و از مانند سماویه تناول فرمایند آنرا <sup>اعطی</sup> طوی  
 الباذل العظیم المحکم البهاء علی حضرتکم و علیهم من لدن  
 عزیز عظیم خدام

محبوب مکرم جناب سمند ر علیه بجا، الله الاعلی الاخصه فرمائید

هو الله تعالى ثانه العظمة والاقدر

لسان آیام با ینکله علیا ناطق بالله العالم و مقصود الام  
 استلک بالاسم الاعظم بان تحفظ حزیک من الاحزاب  
 دینک من الادیان اربت فدا حاطت البلا یا اعلام التبر  
 والبطاء استلک بان تفرج بر اعم الفی ما فهم الی سباط  
 نضک و عذابک اربت فانی فایما بین یدیک و راجبا  
 بدایع فضلك و الطافک عرفتم بالهی ما غفلوا عنه و علم  
 ما امر و ایه فی کتابک المثمن انک انت القادر المقدر  
 المکرم الغریب الوهاب با محبوب نوادی صاعقه عصیان  
 مبادرا اخذ خود و اعمال شنبه باشکال مختلفه نوب

و ثقنك و سيف و امثال ان ظاهر شده از حق جل جلاله  
 امرزش بطلبید که شاید کوثر اسم غفارش سیاهی  
 را محو نماید و اشرفا فاش آفتاب سماء فضلش افند کلاه  
 غافلہ را منور سازد آنکه بمدی من پناه الی صراطه  
 المنقیم اسکندر نیز بعدم راجع در ساعات معدود  
 ثروت و زمینت و عزت و رفعت آن اخذ شد برجا  
 بلیل جغد منزل نموده و بر مقرر عند لیب زاغ و اهل  
 این دیار در لرزل و اضطراب بضمیمه که امنیت اس  
 بالمره سلب شده و طبر امانت سر زپر پر بوده ببرد  
 مکتوب داده میشود چه که حالش معلوم نه این  
 کلمه بر سبیل اختصار عرض میشود و امید است  
 محل نظر واقع گردد و دوستان ان ارض یعنی اس  
 باین ارض راجع و در غل یا کنند آنچه را ایشان و  
 دون ایشان مالک بودند بناراج و غارت رفت  
 و این مقام فی الحقیقه مقام شکرات چه که الحمد لله  
 اگر دشمنان خالیست فلو ایشان مخزن ثانی محبت  
 از انوار توکل پر و بستان سرودند که فی الحقیقه این  
 عبد از ذکرش عاجز است سوف بتوضیح اقله خبر ما

عندهم من قبل انه على ما يشاء قدر و سخط آن  
 محبوب که بتاریخ ستم جادی الثالث بود و باجم  
 اسم جود علیه بجا آید الا بحی ارسال داشتند این  
 بلا حظه ان فائز انشاء الله لمیزل ولا يزال از انمار  
 سده محبت محبوب پیر و آل فتمت برند و تناول فرمایند  
 و این بعد همیشه مرثیا عرض نماید خدای واحد شاهد  
 حالت که این بیدار و سخطهای آن محبوب عالم عالم  
 فرح و اینها طاعت نماید یا جتنا ذاک العرفان  
 من کلانما و بیانما و بعد از اطلاق مرثیاء تلقاء  
 وجه مالک قدم عرض شد بجز عنایت متواج البته این  
 عبد از اظهار ما ظهر و ابراز ما برود عاجز بوده و  
 همت نداشتن این عبد بل من فی العالم عاجز و فاسد  
 اینکه در باره جناب ابن امیر علیه بجا آید و غنا  
 مرفوم داشتند انشاء الله در جمیع احوال از نارسی  
 مشعل باشند و از عظمت کلمه منصحن و بعد از صبح  
 بخت باث بکله مبارکه قدیمت علی خدایه امریک با  
 منصوره العالمین فاطمه کرمه فد این عبد از حق جل جلاله  
 علو و سمو و استقامت از برای ایشان طلب نموده و



مینماید چه که امر بسیار عظیمت و خلوت بسیار خافل و  
 محبوب جناب شیخ ابوالقاسم علیه السلام در این مقام  
 عازم و جواب عرایض ایشان که بنیابت جموری از آنجا  
 عرض نموده بودند عنایت شد انشاء الله بآن فائز شود  
 چون حامل عرایض او بود حامل جواب هم او شد و  
 اینکه در باره مسافرت جناب اخوی علیه السلام انشاء الله  
 مرفوع دانستند الحمد لله بقرعه معهود رسیدند و بحبل  
 حکمت متمسکند طوبی له هنیئاً له مرثیاً له سلاماً له  
 رحمة له ذکر جناب افاض محمد جواد علیه السلام انشاء الله را  
 نموده بودند فی الخفیة ایشان از تقوی می شنیدند که  
 عرف خوش استقامت از ایشان استقام و استقامت  
 شد و امید است که از این فتره مکافات کاملان  
 جل جلاله مشاهده نمایند امثال این بیان از لسان  
 محبوب استماع شد انشاء الله همیشه باین طرز اعتراف  
 اقدس مرتب باشند و در جمیع احوال با فو اراده ناظر  
 منقطعاً عن کل الجهات اگر چه باین طرز مرتب بوده  
 و همتند عرض نکیر اینتقانی را خدمت ایشان برسانند  
 و از جمله ذکر مرفوع مرحوم حضرت فاضل علیه السلام

و رحمته نموده بودید باشوفا بنام جان و روان این  
 حضرت رحمن مستدعی که عنایت فرماید آنچه با ایشان  
 شد این تفصیل چون مخصوص بعضی از دوستان عرض  
 شد این محل اختصار رفت خداوند بزرگوار بی علی  
 الزاب لبقوم و علی العظام یفترک و یقول و علی الامون  
 یطق باذن الله العزیز الودود در خصوص و جلالاً  
 سادات علیهم بجا الله مرهم داشتند از ارض با وها  
 خبر رسید و ارسال نمودند الحمد لله بشارت قبول شرف  
 نبیالم و در این ایام که جناب ناظر علیه بجا الله حاضر  
 بودند مخصوص مریدان ارسال شد آنچه که لاحدله  
 بوده و خواهد بود انشاء الله بان نافر شوند این خلد  
 فانی از حق منبع سائل و امل که ایشان را مؤید فرماید  
 بر آنچه که سبب و علت عنایت ابدیت ان الله ربنا و  
 رب اللیثوان و الارض هو الموقد الباذل العزیز الکریم  
 خدمت ایشان نکیر و سلام عرض میشود اینکه در  
 دستخط قبل ذکر جناب اسناد علی اکبر علیه بجا الله  
 نموده بودند آنه فان بذكر الله قبل و فوع ما و فوع و بعد  
 و حین الو فوع مره بعد مره ذکرشان از قلم اعلی جاری

انشاء الله بما يحبته الله فانما شند ذرة از آنچه در سبیل  
 حق با ایشان رسیده ضایع نخواهد شد بلا پای فی سبیل  
 بمشابه شجرات اثمار بد بستر منبعه از او ظاهر شد و حوا  
 شد مکرر مثل این بیانات از زبان منزل آیات استماع  
 در مکتوبیکه این عبد خدمت جناب اقا میرزا ابوالفضل  
 علیه بجا آمده نوشته در دو مقام لسان رحمن ذکر جناب  
 مذکور یعنی جناب اسناد را فرموده اند با لها من بیان  
 لا تعادله کتب العالم و لکن تطر یا غشاش و انقلاب این  
 اطراف مکتوب جناب میرزای مذکور ارسال شد  
 انشاء الله میشود و ملاحظه خواهند فرمود و در این شب  
 که شب بیستم شهر شوال المکرم است اینکلمات عالیات  
 از افق سماء اراده شرف فوله عزاجلاله هو انکاشهد التامع  
 العظیم با علی قبل اکبر یشهد العلم الاعلی باورد علیک  
 فی سبیل الله مالک الودی و رب الاخرة و الاولی  
 سوف یرون المخلصون ما قدر لهم من لدی الله العلی  
 العظیم انھی اینکلمات عالیات در لوحی مخصوص منجسط  
 ابعی ارسال شد انشاء الله بان فائز شوند و همچنین جمیع  
 آنچه مخصوص ایشان نازل شده ان ربنا الرحمن له و ان

الرحیم جمیع تفصیل ایشان و ماورد علیہ در پیشگاه حضور  
 مشهود و تره بعد تره مذکور و مخصوص جناب کربلائی  
 عباس علیہ بجا الله هم از مصدر امر ظا مرشد آنچه که  
 لازال در انجمن عالم باقی و دائمت قوله جل جلاله <sup>لستم</sup>  
 البصر ائی عباس آنچه بر تو وارد شده اعظم دلیل و اعظم  
 بر هانت بر عرفان و ایمان و ایقان تو در کلیم و اصحابش  
 تفکر نما که از چه و از که وارد و از بعد در حضرت روح و  
 اجابتش ملاحظه کن لعمرا الله دیدند آنچه را که احدی از  
 قبل ندیدند و در سبیل الهی شدند آنچه را که تفسیر <sup>نشدند</sup>  
 در سبیل بطحا روح ماسواه فداء و اصحابش مشاهده کن  
 مذکور علیهم مانع بر اهل مراد فی الملوک و بعد در  
 حضرت مبشر تفکر نما مصادر جمیع این بلاها در فزون او  
 جملای آنصرا که باسم علما معروف بوده اند بوده مذکور  
 این بلاها را بدان و باسم حق حفظش تا کوز عالم با و مواد  
 نموده و نخواهد نمود اگر در غفلت ارباب عامه <sup>نظیر</sup>  
 تفکر کنی بفرج اکبر فائز شوی در لبالی و آیام وضو  
 گرفتنه نظر هر نموده بمساجد توجه نمایند لاجل ذکر و  
 ثنا و تجمید و صلوات و از تنفی که جمیع این امور از کلام او

ظاهر شده غافل و محجوب حق میگویند و نمی شناسند و  
 بحال اعتراف بر او حمله مینمایند بگوای اله من جوم  
 حمد و مازج ثنا مخصوص ذات بهتاك بوده و مشتاق  
 سید من و مقصود من بچهره لسان عنایات لا عنایات را  
 ذکر نمایم امریکه الیوم عطا و عرفا و حکما ازان محرومند  
 مرایان فائز فرمودی از دویای کرمت ما نلم که آنچه  
 عطا فرمودی حفظش نمائی الامر بیدک و انت القود  
 الکریم الحمد لك با مقصود الیارین انعمی دیگر این خاند  
 ثانی چه عرض نماید هر حرفی از بیان با علی التدا شهادت  
 میدهد بر علو و سمو و مسان حق و همچنین بر عنایت و  
 شفقت حق جل جلاله از حق بطلبید خافین را بشطرا کما  
 کاند تا مطلع شوند بر اینکه تقوی را که از قبل بسبب  
 ارتکابات شیعیه سب و رد و لعن مینمودند حال خود  
 اشقی و اخطی ازان تقوی بوده و مانند باروی اعمال  
 شیعیه حیات غلیظه شد و ابصار را از مشاهده انوار  
 منع نموده خادم منحصر که چه عرض نماید له ان يقول  
 اتالله و اتا الهه راجعون و همچنین سایر تقوی که از  
 قبل و بعد در ان ارض در سبیل حق متضرر و باسما

نمودند و لیکن وارد شدند کل بنا پت حق فائز گشتند  
 طوبی لم ولم حسن مآب اینکه ذکر جناب عندا پت علیه  
 بجا آید و عنایت و احتیای ان اراضی نموده بودند  
 کل تلقاء وجه عرض شد الحمد لله از بحر حیوان انشا  
 اند و بافق اعلی ناظرند عراض بعضی که بنو سطلجنا  
 ناظر علیه بجا آید بساحت اقدس حاضر جواب کل ان  
 شرف فضل نازل و ظاهر و ارسال شد و مخصوص جناب  
 محبوبی عندا پت علیه بجا آید و الطاهر الواح منقذ  
 نازل انشاء الله بان فائز شوند و حامل عراض خود حاکم  
 جواب شد از قول ایتقان خدمت جناب ع علیه  
 تکبیر برسانند حق شاهد و کواصت که از نظر غایب نبوده  
 و نیستند و اینکه ذکر جناب اناستد ابوالعالی علیه  
 فرموده بود بدعریضه ایشان از قبل رسید و لوح  
 اقدس الذی لا ح من انغه شمس عنایت الله رب العالمین  
 نازل و ارسال شد انشاء الله بان فائز شوند در جمیع  
 احوال با پد منتک بچیل حکمت باشند اگر ارضی فریب  
 شود و استعداد هم رسانند عزیز در اولاد و این ان  
 اعمالیست که لدی الله عظیم بوده و هست و الا فلا با

محبوبی نسبت جملا ناس را از رحمت بیان مالک اسامع  
 اذ لغافل ضل سببه فی الجهوة الباطلة سوف برکت <sup>کند</sup>  
 فوفه و غنه و عینیه و شماله و امامه و خلفه ان محب  
 هم حب الامر با بد حکمت را از دست ندهند و در اسما  
 مراسلات با طرف ملاحظه فرمایند بقدر ضرورت آن  
 متک جویند چه که ناس ملحد مبغض در صد و بمانه  
 بوده و هستند بجناب اخوی علیه و دم که در وقت  
 کبیره شریف دارند ارسال مراسلات جائز نبوده  
 و نیست مگر بقدر ضرورت اهم بطرزیکه با عموم  
 ناس مخالف نباشد و این فقره نظر بمیل صاحبان <sup>چون</sup>  
 است که با ایشان رجوع نموده اند و دون این ان  
 حکمت خارج و اینکه ذکر جناب حاجی بابا و جناب  
 انا محمد ابراهیم و جناب مشهدی حسین علیهم بقاء الله  
 نمودند ذکر ایشان تلقاء وجه مذکور و عمل شان  
 مقبول مخصوص هر یک اینجند خادم و رفقا <sup>ارکان</sup>  
 داشت و مقصود ذکر ایشان بوده خدمت جناب  
 حاجی بابا و ایشان سلام و کبیر برسانند اینکه  
 ذکر جناب مرفوع انا عبد الصمد علیه بقاء الله و

رحمت فرموده بودند در ذکر ایشان از سماء عنایت  
نازل شد آنچه که بد و ام ملک و ملکوت تقاضای بانی  
و منضوعت الحمد لله ان محبوب همیشه سبب فضل  
اعظمت از برای عباد و علت خیر اکبرند لمن فی البلاد  
لوح ایشان جناب اقا علی علیه السلام که در جوارس  
داده شد که ارسال دارند و ذکر مرفوع مبرور جناب  
اقامتید جواد علیه السلام و عنایت را فرموده بود پس در  
همان ایام ذکر ایشان مکرر از لسان عظمت استماع شد  
ولکن صورت آن نا حال بیهوشی ارسال نه امید است که  
تزد آنجناب از بعد ارسال شود چگونه در ذکر ایشان  
فلم اعلی توفیق نماید مع آنکه از نفوس موفقه منقنه  
راضیه ثابته منقبه بودند و بعینه این عبارت  
از لسان احدی پیر شنیده شد صد هزار هفتاد و نوبت  
ایشان چه که بذكرش عین رحمت جاری و شاری  
و اینکه در بان مرفوع جناب عبدالمجید خان علیه  
رحمة الله و عنایت مرفوع داشتند لوحی مخصوص ضلع  
ایشان علیها بجا آمد الله از سماء عنایت نازل و در آن  
لوح ذکر مرفوع خان علیه السلام شد حد منصوص عالمی



واکه دوستانش را از طراز فضل محروم نفرموده چه  
 آنچه در بان هرفقی البوم از قلم اعلی جاوید بود بانی  
 ودائمت و خزان و دقان عالم بان معادله تمامد فی  
 الحقیقه هرفقی البوم با کلبل رضا مزینت مونس سید  
 چون با فیه خواهد بود طوبی للفائزین و نجد  
 در این حین اینکلمات عالیاث از سماء عنایت مخصوص  
 ضلع نازل تا سبب و علت فرج جدید و سرور بد  
 من لدی الله شود قوله ببارك و تعالی بنام دانای  
 بینا یا امة الله ندایت در محین اعظم بشری اصنافان  
 الحمد لله مؤید شدی و با فوق اعلی در آیام مالک  
 سما نوحه نمودی این شان عظیم را باسم مبارک  
 حق جل جلاله حفظ نما محمد کن تا از حق استغاث  
 بیاشای هرفقی بان فائز شد بکل خیر فائز شد  
 در صحیفه حمر از قلم اعلی مذکور و مسطور بذكر حق  
 ناطق باش و بیادش مشغول و بجیش سرور او  
 کافی او است شافی او است <sup>مویز او است</sup> معین از امور او <sup>رو</sup> و  
 محزون مباش چه که بجز سرور امام عبون مواجبت  
 طوبی از برای عباد و اما اینکه بذكر حق فائز شد

و بعرفان من مزین البهاء علیک و علی امانی فیها ان اللّٰه  
 امن بالله الفرد الخیر اتمنی و اما در باره ایشان  
 باین شطر جایز نرسیده که منقلب است و از قبل تفصیل آن  
 ذکر شد و در باره املاک اذن تصرف بایشان داده  
 شده و فروش آن جایز نرسیده که از برای آنمخدوم  
 ظاهر وجودش لازمست بجمال روح و در چنان تصرف  
 نمایند و بذا که محبوب امکان بشغول باشند با این جمیع  
 امور بروفق حکمت جاری گردد اگر مدعی یافت  
 شود فنی رفتار نمایند که سبب ضوضا نشود الحمد  
 لله بملک لا یفتی که معرفت حق جل جلاله است فائزند  
 اینکه ذکر بعضی اجباد را آخر مراسله آن محبوب بود  
 تلقاء وجه عرض شد ذکر هر یک از قلم عنایت جاری  
 روحی لفضله الفداء الحمد لله بواسطه آن محبوب  
 از بجز بیان رحمت فیمت بردند این نعمت کبری نظر  
 بانکه مثل غیبت هاطل در کل احیان نازل و جاری  
 است مفاخر مستور است و لکن پوی از آیام شاهد  
 خواهد شد که هر حرفی از ان اعتراف است از آنچه در گذشت  
 مشهود و مکنون است این خادم فانی خدمت هر یک

از دوستان الهی عرض فتا و نسیحی معروض میدارد  
امید هست که از فضل حق جل جلاله کل پیام نمایند بر آنچه  
که مترادف مقامات انانیت انشاء الله کل بنور اتحاد  
باشند و بنار محبت حق جل جلاله مشغول جناب افاضی  
علیه بجا و الله را که از مهاجرین بودند تکبیر برسانند انشاء  
بافق اعلی ناظرند و بواجبه الله عامل از قبل جناب که خدا  
علیه بجا و الله وعده لوح داده شد و مکرر باسم ایشان از  
سماء فضل نازل چه که عریض متعلق از ایشان از قبل  
انشاء الله موفق شوند بر آنچه اراده الهی بان تعلو یافته  
مخصوص جناب افاضی الله علیه و... لوحی نازل الطین  
بر طبعه و بکون من الراحمین و فی از او کات فرمودند با  
عبد حاضر از ملکوت عنایت من غیر بخل مطاردت  
نازل معذک فیض هل من مزید میگوید انتم انشاء الله  
کل محل واقع شوند از برای نزول رحمت الهی از اول  
عالم تا حین چنین فضلی ظاهرند و بکر مکر بعضی از نفس الهی  
هواهای نقصان ابصارشان را منع نماید مثل جنود غافل  
و حزیب حائل که اراده نموده اند اشرافا ما نولوا قباب  
حقیقت را با عین مستور دارند اگر بیانات منفرد است

رحمن که در احیان می و پاد رحین حضور بعضی از احباب  
 بان تکلم فرموده اند جمع شود معادل جمیع کتبی است که الان  
 در نزد احزاب ارض موجود بل از پد لوهم پنصفون تا چه  
 رسد با آنچه در حضور ثبت شد بازده منرا از نسخ الی  
 ثمانین آنچه از سماء مثبت الی نازل ثبت شد و آنچه ثبت  
 شد در شرط زور احب الامر محوکت با محبوبی لمراتقه ان  
 الخان فی ظلم عظیم ملاحظه فرمائید چه راتقی میکنند و  
 چه را اثبات مینمایند اقام عرض دیگر و در مثال  
 صمت علیخان و ابن ایشان و من معما باحت اندرین فائز  
 و یک لوح اعتراف منع مخصوص جناب خان از سماء مثبت نازل  
 و بخط ابجی نوشته ارسال شد و در هر ارض ساکنند ایشان  
 برسانند اینه بفعل ما بشاء امر امن عند و هو المشفق الکریم  
 و یک لوح منع اندرین هم مخصوص جناب انا محمد جواد علیه  
 بجاه الله ارسال شد عرض دیگر اینست آنکه خدمت جناب  
 ملا عبدالرزاق علیه بجاه الله تکبیر برسانند من شاهد  
 گواهی که لدی العرش مذکور بوده و هستند و این عهد  
 لازال ذکر شاهرا نموده و مینمایند و انشاء الله خدمت ایشان  
 کرامت اخوی ارسال میشود آنچه که عرفت خلوص از این انشاء

شود چگونه میشود ایشان و حضرت مرفوع و الدشان علیه  
 بهاء الله از نظر بروند در جمیع احوال نجات محبت آنحضرت مرفوع  
 در مورد بود انشاء الله جناب ابن علی علیه السلام که لازماً بر کتب  
 ذکر و ثنای حق جل جلاله و استقامت کبری ساکن و جالس و  
 مشرعی باشند با محبوب نوادی از حق باید بخواهم نوز استقامت  
 اهل الله را منور سازد تا نغش صفا دع ایشان را باز ندارد و  
 محبوب نازد چه که حب البیان حضرت رحمن لا بد از ظهور  
 نغاش در آنان اگر چه بفضل الله و عنایت اهل بجا باشد  
 نمایند که ماسوی الله را معدوم و مفقود مشاهده نمایند  
 هبتاً لهم خدمت دوستان آن ارض که از کوثر رضائشان  
 اند و با فوق اعلی ناظرند تکبیر برسانند و بشارت غنائ  
 مقصود عالمیان را مذکور دارند تا کل بیخ تمام بر خدمت  
 امر پیام نمایند آنهمجندی من بشاء الی صراطه القوم و الحمد  
 لله العلی العظیم البهاء اللاح من افق اراده محبوبان و  
 مقصودنا علی حضرتکم و علی من معکم و علی کل عبد راضع مستقیم خادم

بسم ربنا الامیر الاعظم العلی الامین

عرض ایستادگی خدمت آنحضرت آنکه دستخط محبوبان خود

جناب مہمند و علیہ بجاہ اللہ مالک القدر کہ با محبوب  
ارسال داشتند دیدہ شد و بعد از اطلاع در محضر اقدس  
مالک ابداع بشری اصفا فائز و اینکلمات علیا از سماء <sup>مشیت</sup>  
مالک اسمائزل قولہ جل سلطانہ و عز بپانہ با اسم جود  
فی الحقیقہ جناب مہمند و علیہ بجاہ بمنظر اکبر ناظرند و  
بر خدمت قائم حرارت مجتہش را عجیبات حاصل شود و سبحان  
اثران را منع نماید اگر طالب صاد فی ازا ما کن بعبودت  
فرا دارد ہمکن اثرش را بپاید عید حاضر مطا لبش را عرض  
نمود بشری اصفا و جواب مرد و فائز سبحان من بطق  
و بسمع و بچی و سبحان من اودق فی الاقدار و القلوب  
ما اجتذ بها الی الحق علام الغیوب یا مہمند انا اقلنا  
من هذا المقام الیک و ذکرناک بما لا یعاد له شیء فی الارض  
و تکبر علیک و علی الذین اقبلوا بکلم الی اللہ رب العالمین  
بشر اجبانی بذکری و تو تمجی طوبی لمن تمتک بالجرود  
الوثقی و شرب رجق الجوان من ابادی عطاء ربہ  
الرحمن و کان من الراصین جمیع دوسنان ان ارض را  
از قبل مظلوم تکبر برسان فل با اجماع اللہ فی المدین و  
الذبار فاعلوا ان القوة فی الاتحاد و الفلاح و النجاة فی

الثبات والائتاف اذ حق بجواه ناكل مؤتد شوندر استقامت  
 بر این امر بکه جبال رواسخ از او منزعج ابد و سنان فله  
 آتام و حمن را بداند لمراته ما اشرف الشمس علی شهبها و  
 علی مثلها ان اغثنمو الفرصه فی آیای ثم انصرفوا <sup>مرد</sup> الا  
 علی خدمه امری سوف یرفع الله به مفا مانکم و مرابنکم  
 و یظهر علی من علی الارض ستموکر و علوکر و ما جهلوه فی  
 سبيله و ورد علیکم فی امره البدیع در جمیع احوال  
 ربح با شئات و خسارت با اعدا باید در کل حال بوصایا  
 الهی ناظر باشید و بما فی الکتاب عامل انشاء الله در ظل  
 عنایت بنور عدل و انصاف و امانت <sup>و دیانت</sup> و خضوع و خضوع  
 منور باشید البهائم علیکم و علی من معکم و علی من یتبعکم  
 انتمی از بدایع فضل الهی آنکه در همان حین که مکنو  
 رسید این خادم فاین بشرف حضور فائز و بعد از <sup>عزیز</sup>  
 این جواب از ملکوت بیان سلطان مآب نازل انشاء  
 الله موالی و اقا بان ان ارض از ماء عنایت حق جل جلاله  
 بر ندکی ناز فائز شوند و بما ینبغی آیامه مشغول و عا  
 ذکر جناب حاجی محمد ابراهیم علیه بجا آید الله نموده بود  
 هذا ما نقل له من العلم الاعلی فضلا من لدی الله مالک

أوردى قوله تعالى وتقدس هو الناطق بالحق من الخلق  
 ان المظلوم في كل الأحوال دعا الكل الى الغنى المتعال ما  
 من ليل ولا من يوم الا وقد فيه ارفع صرير فله الاعلى على  
 شأن لا ينكره الا مشرك كفار لعمر الله ما حفظنا انفسنا  
 فداظهرنا الامر بسلطان من عندنا ودعونا الملوك و  
 الملوك الى الله الواحد الختار واقل من اعرض عنا و  
 اعرض علينا علماء الارض الذين عزونا هم بكلمة من عندنا  
 وروعناهم بامر من لدنا فلما ائبناهم وجدناهم من اهل  
 الضلال في المال باعرضهم اعرض العباد وبتقناهم  
 اشعلت نار البغضاء وورد علينا ما نوح به سكان سر  
 العظمة في الغدو والاصال انا اردنا جاعهم وهم افوا  
 علينا من دون بيتة ولا كتاب طوبى لمن سبناهم  
 وراهم معبلا الى الله رب الارباب قد سمعنا اقبالا  
 ذكرناك في الجن بابات نضوع بما عرف الرحمن في  
 الافطار تمتك مجبل عنا به ربك وقل اربى سلك  
 باسمك الاعظم وسلطانك المهين على العالم بان تؤيد  
 على الاستقامة على حبك وتجعلني من الذين فازوا  
 برضاك انك انت المقدر على ما تشاء لا اله الا انت



الهمز بالاعلام انتهى انشاء الله بوجه واقبال ایشان بحی  
 جل جلاله سبب وعلت ادراک فیوضات نامتناهی که  
 آنچه از رو با ذکر نموده اند انشاء الله سبب عظمت امر و  
 قوت و قدرتش و قدرت و قوت و غلبه از جنود <sup>ظلم</sup>  
 و تمات و اسلحه نبوده و نیست مگر از زبان عظمت اینکله  
 اسماع شد عمل طیب و کلمه طیبه و اخلاق مرضیه از  
 جنود قویه حق جل جلاله محبوب افعال و اعمال بسیار  
 ارض شایسته نداشته و ندارد باید بجنود اعمال طیبه و  
 اخلاق پسندیده افاضی قلوب را تصرف نمود هیچ سببی  
 احراز کلمه الهی نبوده و نیست اگر معدودی خالصا  
 لوجه الله بر امر قیام نمایند که بگویند و الی الله ناظر  
 باشند البته آثارش در ظاهر و باهر کرد چنانچه  
 ظاهر شده و مشاهده مینمایند این عبد هم خدمت  
 اجناب مذکور نکیر مبرسانند و از حق جل جلاله از رو با  
 ایشان نمایند مطلبند و همچنین ذکر مخدوم ضلع مرفوع  
 میر و عبدالحید خان علیهما السلام و مراتب ثبوت و  
 رسوخ و استقامت آن و رفه و مرفوم دانسته اند الحمد  
 ان و رفه بعنايت حق جل جلاله فائزند امید هست <sup>بنا</sup>

در امر ثابت و واضح باشند که رجال عالم فاد و بر تفسیر و  
 تبدیل و منع نشوند تا چه رسد بنساء ارض ذکرشان  
 ساعت امع اقدس عرض شد و آفتاب فضل مشرف  
 هینتا لها و طوبی لها در این ساعت این عبد در ساعت  
 عرش حاضر لسان قدم ذکر مرحوم مرفوع میر و جناب  
 ملا عبد الرحیم علیه بجا آید الله العزیز العظیم و امیر مودت  
 بالها من ذکر لو یلغی علی الظلمة لیبید لها بالنور و لو علی  
 التراب یقوم منها خلق لا یحصیها الا الله مالک الملائک  
 و بعد ذکر حبیب روحانی جناب ملا عبد الرزاق علیه  
 بجا آید الله و افرمودند شمس عنایت بشانی مشرف که این  
 عید از ذکر تمام آن عاجز است <sup>و طاعت</sup> هینتا له و لمن فازینا  
 و فضله فی الحقیقه این فانی از ایشان نجل است انشاء الله  
 بجله و قوته بندارک ما فات قیام میشود عرض کرد  
 دستخط حبیب روحانی جناب ابوالعالی اعنی <sup>عبد</sup> بجا  
 ابوالعالی علیه بجا آید الله و عنایت با این عبد رسد  
 و همچنین عریضه بساحت امع اقدس اعلی عرض نمود این  
 فانی تمام را تلقاء وجه معروض داشت در همان جنین  
 مخصوص ایشان و نفوس مذکوره الواح مقدسه ان

سماء احدیه نازل و ارسال شد این خادم قائم از حق  
 جل جلاله سائل و امل که ایشان را بزبانت الواح منبغه  
 قائم فرماید آنه علی کلثی قدیر و بک لوح امین اقدس  
 هم مخصوص بخندن ام جناب افاضت شرف علیهما بجا <sup>الله</sup>  
 و نوره نازل و ارسال شد ذکر شهدای آن ارض و خند  
 مذکوره در مساحت اقدس بوده و هست اتم من الفائزین  
 و رب العالمین در شبی از شبها اینفانی در حضور  
 قائم لسان احدیه ذکر دوستان آن ارض را <sup>موت</sup> اینفانی  
 از جمله نفوسیکه در این ایام ذکرشان با حق <sup>اقدس</sup> قائم  
 و همچنین ذکر جناب کد و انا اکبر علیهما بجا <sup>الله</sup> که  
 از منسبین ایشانست و چندی قبل لوحی هم <sup>من</sup> مخصوص  
 اسم ثانی از صماء عنایت نازل و نزد اقای حضرت  
 اسم الله علیه منکل بجا اجماع ارسال شد که  
 برسانند الحمد لله بحر فضل الهی منو تجه منسبین و  
 مخلصین و منغیبین و ثابتهین بوده و هست و نفس  
 الحق در لیلی و ایام از قلم اعلی جاری میشود آنچه  
 که محصین از احصای آن عاجزند بشهد بذک  
 کل منصف بصیر عرض دیگر جناب محبوبی انا محمد <sup>صلوات</sup>

علیه بجا، الله مالک الایجاد وذاکر بوده و هیمن  
 لازال اینعبید از حق جل جلاله نوبین و ناپیدا پشازا  
 خواسته و میخواهد پو محازا پام لسان قدم با پنکله  
 علیا ناطق قوله عزاجلاله یا عبید حاضران اذکر الوجود  
 من قبلی انا نکبر علیه من هذا الکفام وعلی امله وعلی  
 الی نازت بلقانی انا نوصیها بن کر فضلی و عناق  
 رحمی الی سبقت انمی حق شاهد و کواصت  
 که لازال در نظر بوده و هستند انشاء الله با نوار  
 این مقام منور و محبت الله قائم و مشعر باشند بود  
 امر اکثری از بلاد را روشن نموده حال باید بکمال انما  
 و اتقان متمسک و مثبت باشند تا کل نافر شوند  
 هذحق لاریب منه پشلت الخادم و تبه بان بچفظ با  
 مقامات الذین اقبلوا الیه و حملوا الی شایده فی سبیله  
 انه لم یوالکافظ الامین یا محبوب نوادی مطالبان  
 محبوبی حضرت سمندر علیه بجا، الله الایمی جواب  
 آن از سماء عنایت نازل منیناله و مریناله و لمن معه  
 و لمن یحبته و یجمع قوله فی امر مولانا و مولاه و محبوبنا  
 و محبوبه و البهاء و النکیر و الیلام و الرحمة و العنازة

علی حضرت واهله و ذریئته من لدی الله ربنا و ربه  
 و مقصودنا و مقصوده و مقصود العالمین و بکرملاً  
 و تکبیر و عرض خلوص خدمتاً مخضرت بالمواجبه  
 عرض میشود اگر وکیل و کفیل بخواهد حق حاضر و  
 موجود آنرا هو نعم الوکیل و نعم الکفیل و نعم المولی و  
 نعم النصیر خ آدم

بسمی الجیب یا علی علیک بھائی مکووب جناب معتمد  
 علیہ بھائی کہ بٹما نوشتہ عبد حاضر لدی الوجہ  
 عرض نمود الحمد لله بخدمت امر فائز و بطرار استقامت  
 مزین ہنبتالہ و للذین شربوا کوثر الا سیفا مذ من بد  
 عطاء رحم القوی القدر زقرائش در محبت الھی مشا  
 شد و کلماتش در شوق و اثبات باصفا فائز لہ  
 ان بھد الله بدوام الملك و الملکوت از فقر <sup>مستغنا</sup> ہوا  
 فیکل حال عرف ببا و خوشی ساطع و اینک لہ از عوام  
 لا اول لما اورا بوجہ معنی تا بید نمود تا ظاہراً  
 با مراد راین فضل کہ ربیع فضول عالم و در این قرن  
 کہ مبداء فرونت از لسان و قلم و قلبش جاری و ظاہراً

مبدء آن از ناسید حق جل جلاله بوده شکی نیست که منتها  
 آن هم بحق راجع این عنوان مراسلات او مبارک و مهیون  
 است و البته اثرش ظاهر شد و می شود اینک نوشته تا  
 حال بنیدیش راضی نشد ام حرم راضی نیست فلان  
 استغفم علی الامر منقطعاً عن کل ذی وجود و کل ذی اسم  
 و تذکر محمد قبل صادق علیه بآء الله و نبیره بذکر  
 له و اقبالیه من هذا المقام الغریب المنیع و تذکر  
 هذا المقام علیه و علی الذین نسیم الله الی عبداً انه طهر  
 المیسوق الکریم و تذکر من ستمی بعید المحین و علی قبل اکبر  
 و الذی ستمی عیواد لفرحوا بعنایه الله و رحمته و بذکر  
 الله فی یومه الغریب البدیع ابد و سنان بکمال استغنا  
 بر امر محبوب عالمان فایم نماید بشانکه جمیع عالم بر این  
 مقام اعظم کواهی دهند و مراتب استقامت و انقطاع  
 و ثبوت و رسوخ ظاهره مکرهین ارتقاع ضوضای  
 ناعفین و مشرکین و ملحدین انشاء الله از زلال کوثر  
 بیان محبوب امکان در کل جهن یا شاید مسکرش سبب  
 شعور و طعمش طم حیات لازال قدح اعلی امام و جوه  
 امل انشا طوبی لمن شرب و وهل للغافلین امر و زورده

است که اهل آسمان با اهل زمین توجه نموده چهره که ارض  
 منقرعش اعظم واقع طویان عرف هذا المقام ومنتك  
 بعنا بزرتبه و ثبت بذله الطویل المنیر و اینکه ذکر خوان  
 را نموده اند انشاء الله بذکر حق جل جلاله مشغول باشند  
 و بعنا پیش منتك بشا اینکه شوک و حثمت و اسباب  
 دنیا ایشان را از افوا علی منع نماید و مؤید شوند بر امریکه  
 عرف بقا از او استنهام کرد در فی الحقیقه اگر نفسی در این  
 محنتکه خود را بذکر اشیاء ناپیه و زخارف لا یغنیه  
 جمع آن مشغول نماید هر صاحب بصری بر خیرانش شهادت  
 میدهد اگر هم انسان مختصر یا این آیام معدوده باشد  
 او قابل ذکر نبوده و نیست از حق بطلبید او لیاثت را  
 مؤید فرماید بر آنچه بانی و دامت انه هو المقدر  
 علی ما یشاء وهو الخفور الکریم و اینکه در باره و در  
 ضلع من سعد الی الله نوشته بودند شنیدیم عنایت  
 الهی در باره او بوده و هت انشاء الله بما ینبغی نازل  
 شود و بطران ثبوت مرتین جمیع منتبیهن اجتناب و  
 جناب سمند و علیه بجائی و از اناث و ذکوره و صغیرا  
 و کبیر ذکر نموده و میبایم کل بحث لحاظ عنایت و

فباب عظيمند از حق بطلبید کل را بر حفظ مقامات  
 موافق دارد اتمه ولی الامر فی الدنیا والأخره والمفتد  
 علی ما یشاء بسلطانہ المجهن علی من فی السموات والأرض  
 البهاء من لدنا علیک وعلیهم وعلی اولیائنا واصفنا  
 الذین نصرنا امری البدیع

فی محبوب مکرم جناب سمند رعلیه بماء اتمه الأیحه ملاحظه فرمائید

بسم ربنا الأفند من الأعظم العلی الأیحه

المجد لله الذی نفرد بالأقدار ونوحد بالعظه والأجل  
 ومجلی اقل من ستم الأبره بنور الجمال اذا انضغ العناق  
 ومطالع الثوف والمجذب والاشتیان منهم من قد  
 لاشرافه اكلیل الحجات ومنهم من افاق وقال بجانك  
 یا مالک المیشان والظاهر فی يوم التلاق احب ان  
 اشرب رجق الشهاده امام وجهك یا محبوب العالم  
 ومقصود الام واری فی سبیلک وحبك التوف  
 المیلولة والریاح النافذة وعزمتک یا محبوب المفرین  
 ومقصود العارفين لا احب ان بطرح هیکلی علی الفرش  
 وبضیع رومی فی ایاک یا منزل الآيات ومظهر البشای



وعرف فرعك المعلوم على مننك احب ان يتصوع معني  
عرف الشهادة الذي به يقوم كل بيتك وبيعت كل اعظم  
ويبتدك كل جامد وينطق كل كليل ويفرح كل حزين و  
عزتك باسلطان الوجود وعالم الخيب والشهود ان الخادم  
يعلم بالعلم اليقين بان الشهادة في ساحة عزك اعظم  
الاعمال ولكن نخبتهما من فلك الاعلى وامرك الاظهر الامين  
الاعظم الامي اسئلك باماء الوجود ونا والقلوب جبا  
العارفين ونور المقربين بان تكب لي ولاولياتك اجر  
الذين اسئلهم في سبيلك ثم اجعلنا من الذين نبدوا  
ارادتهم متمكين بارادتك ومنشئين بمشيتك وقد رنا  
من فلم نقدرك ما يحفظنا عن مكر الذين كفر وابتك و  
بابائك وناموا على خضرك ونصيبك امرك بالهي والله اعلم  
ومقصودى ومقصود الامم اسئلك بالامم الاعظم  
الذى اضطرب كل خائن وخاف كل جابر بان يجمع اجبا  
في ظل سدرة قريك ليهيوا اندائك الاخلى ويطوفوا  
حول عرشك بامالك انتم الاشياء ارباب اعظم ولاولياتك  
واحقابك ثم اردنا خير كل عالم من عوالمك انك انت  
الذى لم تمنع كرمك الموجودات ولا الكائنات لا اله الا

انت المقنن والعلیم الحکیم و بعد در سیف خطا بمحبوب مکرم  
 که بنا بر بیخ بیت او پنجم صفر بود ظفر بنفشید چه که اعلام  
 ذکر محبوب عالم بر رؤس هر حرفی از آن منصوب و تفریح  
 تعالی هذا المقام الاعلی که جان بخشد و روان عطا نماید  
 اگر جمیع عالم اراده نمایند شرح لذت موحدین و مخلصین  
 را که از ذکر و ثنای الهی میسرند احصا کنند البته خود را  
 عاجز مشاهده نمایند و بعد از فراغت و اطلاع مقام  
 محمود نموده بعد از اذن امام عرش مقصود معروض  
 داشت قال جلت عظمته وعظم کبریاؤه انا نکتبر من هذا  
 المقام علی الذین وفوا بپیمان الله وعهد و ما تفضوهما  
 و تمکوا بها الی ان صعدوا الی الله مالک الرقاب یا  
 سمند را بپنکله مبارکه زباده از حد احصا از قلم و لسان  
 جاری معذک عالم بیان در جمیع احوال تکرار او را  
 طایب چه که اگر کسی از ناس غافلند و بظنون و اوها  
 خود مشغول با میشود بجز آن نام کتاب محروم میشود  
 و بقطره از بحر اعظم غافل و ناس بجد الهی امریست عظیم  
 طویب لمن تمسک به و دبل للغافلین انشاء الله جمیع <sup>سنان</sup> دو  
 بروج کله بجهت نازه جدیدها مزین و ناز شوند چه هر

نفسی فی المحضه باوجبات یافت او بر عهد ثابت و محکم  
 است چه که و ناپستی ندامت و الأمانه عن بیسته و الصداقه  
 عن یاره و نور الاطینان فوقی راسه و روح الانقطاع  
 بجزاک معه نفس مطمئنه ثابتة با بن جنود عالم قلوب را  
 فتح نموده و مینماید در این ظهور اعظم جنود حق بی  
 سلاح با سلاح عالم توجه نموده اند امری امری سلاح  
 جنود الهی اتقان واحد بوده و هست ملاحظه نماید کلمه  
 عالم را مستخر نموده و مینماید هو المقدر علی ما اراد و هو  
 الغالب القدر و مسان ان ارض را از قبل مظلوم نکب  
 برسان باید کل بر خدمت امر پیام کنند و بکمال اتحاد و  
 استقامت و حکمت و بیان عباد و رحمن را کوثر عرفان عطا  
 نمایند هفتة ذیل لوحی بجناب نبیل علیه بحالی ارسالی  
 شد انشاء الله از عرفش آیام وصال را بجا طوارند و ان  
 کوثر ذکر الهی هبا کل مرده را بطیص زندگانی مرتین نماید  
 البهاء علیه و علیکم و علی کل ثابت منقیم الحمد لله  
 العظیم انھی با محبوب این خادم قانی این کرم امید  
 اینکه موفق شود با بن ذکر نداشته و لکن اراده الله  
 ارادتی و عدمت مشتی علی الصباح تلقاء وجهه بطیص

مشغول در آن حین جمال قدم بیست دیگر نوحه فرمودند  
 و بعد از حضور و ورود این عبد نال جلت عنایت  
 یا خادم فانت بفلم و ورق دیگر این خادم عاجز است  
 ذکر اینکه از ملکوت بیان چه اصفا نمود قسم بحال مقصود  
 و سلطان غیب و شهود که در اکثر احیان حین تزیل  
 این عبد را فرج و حزن بشأن احاطه مینماید که جز جن  
 تعالی شأنه بر مقدار آن آگاه نه فرج از اصفاء الحان بد  
 منبعه حق جل جلاله و اما حزن از خوف آنکه مباد ایات  
 ترک شود و قوه حافظه از حفظ آن عاجز ماند و قوه الحن  
 اگر فطره فادراست از عمده ذکر امواج بحر کماهی می بود  
 این بند هم فادر لعمر المقصود هو القادر و سخن عجزاء نشئه  
 التائبه فیکل الاحوال انه هو الغنی المتعال اینکه ذکر  
 محبوبان جناب انا ملاء عبد الرزاق و ملاء عبد العظیم علیهما  
 بیاء الله و عنایت نمودند و همچنین مراتب شوق و اشتیاق  
 و استقامت شافراد و امر الله مرفوم داشتند ایشان باید  
 چنین باشند بل از بد و اعلی و آسمنی و در همان محل که  
 شریف دارند بجبل خدمت نمک نمایند و بیلیغ امر  
 نسبت حضرت و الدایشان علیه بجلو الله و رحمة عنایت

وفضلہ در مباحث اقدس از اول ایام تا حین مذکور  
 بوده و همتها انشاء الله ایشان بر قدم ایشان مشی نمایند  
 یا حبیب نوادی اگر امثال ابن عبد و انحضرت و سایر <sup>بنا</sup> برود  
 فرج و سرردمان محدود با این اشیاء محدود ظاهر <sup>شد</sup> با  
 لعمرفصودنا و مفصود کم سخن و هم فی خیران مبین امر <sup>ن</sup>  
 مطلع بجور ظاهر و مشرب شمس لایح و با هر چه منجوا  
 امام وجه حاضر و کور حیات با پادری فضل مبدون <sup>اید</sup>  
 بحکمت و بیان مردگان ارض را نصیب عطا نمود  
 بکمال روح و در جان بزیبک اهل امکان مشغول <sup>شد</sup>  
 امید هست که نجات ایات الهی که هر منصفی اعرف <sup>ید</sup> ملتأ  
 بر حضور و عجز از احصایش جمیع ذرات را بحکمت آن  
 و چند من فایم نماید ان الله علی کل شیء قدير <sup>کبر</sup> اینک  
 چند مجلد کتاب نموده بودند که باسم رئیس کمره <sup>ان</sup> در آن  
 ارض وارد شده و همچنین مرفوم داشته بودند که در پرده  
 و حجاب نصاب و مواعظ بعضی اشارات در آورده <sup>این</sup>  
 و اشارات غیر واضحه لایبینه لایقنه نباید منسوب <sup>بجی</sup>  
 باشد انجبوب کتاب سلطان را مشاهده فرموده اند <sup>ان</sup>  
 بلوک اظهار شد ملاحظه نموده اند <sup>ان</sup> در هم شاید جزوه

باشد رُب ناصح بسوجب النصح اعظم تمام نصح و رُب  
 واعظ بنبیره منه الوعظ ان تفصیل را این اجمال کافی  
 لعرفه ان القوم فی وهم عجیب بالبت العالم بعلم و بالبت  
 بعرفون و اینکه مرفوع دانستند جناب حاجی محمد ابراهیم  
 علیه بجا الله هم طالب بدین ان کتاب شده اند این نظر  
 بحسن ظن بوده چه که همه کجا نموده اند که شاید از حق  
 باشد طوبی له و نیما له از بیغافی تکبیر خدمت جناب  
 ایشان برسانند و مذکور دارد چندی مثل این آیه  
 باهرات از سماء مثبته الله نازل قوله جل جلاله يا ايها  
 الموجه الى الوجه بكيف كتب الله المهين القوم انه اذا نزلت  
 آية منها خضعت لها كتب العالم وطاف حولها ملكوت  
 البيان يشهد بذلك الملا الأعلى والذين يطوفون العرش  
 في هذا المقام الممنوع انه ظهر واظهر ما كان مكنونا  
 في كثر العلم و محزونناحت خاتم الحفظ و مسطورا في كتاب  
 الله رب ما كان وما يكون بعرفانه استغنى الوجود عن  
 عرفان العالم و بنور اسم اشرف الارض و السماء ان انتم  
 تعلمون انه رفع باب اللقاء بمفتاح الاقدار و هدى  
 الكل اليه ولكن القوم اكثرهم لا يفقهون اننى امثال

این بیانات از قلم اعلی جاری بشا منک عظم و مهم و  
 روح بخشید و همبکل ثقیل را طهران آموخت مقصود  
 از ذکر این آیات الهی و عرض این عبد آنکه جناب ایشان  
 و سایر دوستان بعنايت حق جل جلاله مطهرن باشند  
 و پيغمبين مبین بدانند که به استغنی عالم الوجود عن دونه  
 هو المقدر المتعالی العليم المحیط و اینکه مرفوم دانستند  
 جناب حاجی محمد ابراهیم مذکور علیه بجا و الله اسند  
 نمودند که ذکر ایشان در ساحتا منع اند پس عرض شود این  
 مسئلت با جابت مفرود و بعد از عرض و اصغنا اینکلام  
 عالیات از سماء منزل آیات نازل قوله جل جلاله و عز بیانه  
 لیسى الا قدس الا منع الاعظم يا ابراهيم قد ذكرناك ان  
 سمعنا نداءك و راينا اقبالك و فلهما ان ربك هو  
 العليم الخبير مرة ذكرناك في لوح اسمنا المجد و اخرى  
 في الواح اخرى ان ربك هو الفضال الكريم <sup>لمعك</sup> طوبى  
 بما سمع اياتي و اجبت بما افلت الى افنى و ليدك بما  
 اخذت لوحى المبين قد ذكرت من قلى الاعلى بما لا يعاد  
 شئ يشهد بذلك هذا المظلوم الغريب <sup>نثبت</sup> تمسك به و قد  
 بما نزل في الكتاب من لدن عليهم حكيم الله الحمد بورد عفا

فائز شدی و بذكر حق جل جلاله که اعظم از کل خیر است  
 منقصر کشتی حال جهد نما که شاید بجات نفسی موقوف شوی  
 از قبل فرمودیم من اجبی نفسا فکانتما اجبی الناس جمیعا  
 باسباب نمتک نمائید و مسیب اشتعال قلوب گردید  
 نارسدن ظاهر و مشعل و نور و جبرایخ باسم محبوب  
 عالیان ازان نار مشعل و ازان نور عالم را منور دارد  
 انه معکم بجمع و بری و هو الیمح البصر البهائم علیک  
 و علی من معک من الذین سبوا و اوهام العباد مقبلین  
 الی الله رب العالمین انھی الحمد لله ایشان درین  
 سنه مکرر بایات الهی و ذکرش فائز شدند چند کمر  
 در نظر حضرت و حرفی از آنچه نازل شد عالم و آنچه  
 در او است بآن معادله نماید هنیئا لجناب و مرثیة الخضر  
 و اینکه ذکر جناب طهما سبجان علیه السلام نمودند در  
 ساحات منع اقدس عرض شد اینکلمات عالیان از مقام  
 مشیت معصود عالیان نازل فوله جل و عز بی الظلم  
 الکسور امروز اقطاب معانی از خلال سدره بیان  
 بصورت اینکلمات برارض بر نواقند هذا يوم کان  
 لقائم منتهی ابل المفرین و الموحدين ان اغنموا و لا



تكونوا من الصابرين ينكواث حال تقبكه در این ایام  
بنور عرفان فائز و بما امر به عامل انشاء الله از فضل و  
عنايت حق جل جلاله فائز گردی با آنچه که بد و ام ملك  
و ملكوت بافی و دائمك اواث پنا و اواث دانا  
پشهاد و پری و هو التبع البصير بك ذره از اعمال في  
سبيله تعالى ضايع نشد و نخواهد شد لعمريه جرای  
افراد و جميع عوالم مشاهده نماید و بان فائز گردید مجد  
نماید تا کوز اعمال خالصه نزد حافظ امین و درجه <sup>کتاب</sup>  
این کتزان خائنین و سارقین محفوظ بوده و هست طوبی  
لك بما فرئت بذکر المظلوم و جری باسمك رجوع البیان  
من قلبه الغرین الهدیج البهائم عليك وعلى كل ثابت  
منقهم وهذا ما نزل لجناب ملا جعفر عليه بجا الله  
قوله جل جلاله بسمي الأقدم الأقدس الأعظم بافی  
بذکرک مولى الأسماء من هذا الشطر و بدعوك الى الله  
للمهين القوم انتر جمع نداء من قبل الیه و بحیبه  
فضلا من عند و هو الحق علام القیوب هر چری که در  
این وسیع المی عرف کزار معانی را استنجام نمود اوان  
جوانان فرودس لدى الله مذکور و مسطور مقام این

بوم از بیان مذکور معلوم طوبی از برای تفسیر عرفین  
 را یافت و مقامش را شناخت او از اهل بصره در منظر اکبر  
 محبوب نغمه‌الن سماع و زای اباک رتبه الکبری و و بول  
 لمن ضل وغوی البهائم علیک و علی من سماع حنیف مدنی  
 المنتهی و هذا ما نزل لجناب فیض الله علیه بحاء الله

قوله تبارک و تعالی بی‌المهمین علی الأسماء لازال طرفه عنایت  
 بنو منوجه و ابواب بیان بروجهت مفتوح ما و سدا  
 با پنجه که صنادید ارض و عظام و علمای آن زان محروم  
 تعالی ربک الفضال و تعالی مولک الغنی المتعال امر و  
 جهد نماید نادرا بجن عالم سراج اتحاد را بر افروزد و ان  
 از باح مختلفه باسم مالک احدی محفوظ دارد حد این  
 صورت نور عدل طالع و کل فارغ و ازاد شاهد شوند  
 نسله تعالی بان بوقدک علی خدمت امره و بقر علیک  
 من سماه فضله بر که من عند الله هو الفضال الکریم و هذا  
 ما نزل لجناب استاد موسی علیه بحاء الله و آنچه قوله تعالی  
 هو الیامد البصر بذكر المظلوم الذی یمن فی سبیل  
 الله رب العالمین و ورد علیه ما فاح به الروح الامین  
 که من لبال فیها طالنوم من العیون بالکتاب ابادی

اهل الظنون الذين نبذوا كتاب الله عن وراثة واتبعوا  
 سبل المنفدين قد ذكر ذكرك لدى المظلوم وقيل انك  
 هذا اللوح المبين اذا قرئت به رقم وقيل لك الحمد باسلاطنت  
 العالم ومالك الامم بما ذكرته اذ كنت غنيا عنى وعن  
 فى السموات والارضين اسئلك برحمتك التى سبقت و  
 بانوار وجهك بان تؤيدنى على الاستقامة على هذا النبأ  
 العظيم البهاء عليك وعلى اخيك وعلى الذين فازوا  
 بذكر الله العزيز الحميد وهذا ما قبل لجنا ب مشهدى  
 عليه بجماء الله واخيه فولد جل كبرياءه وكبر فضله  
 هو المهين على ما كان وما يكون بانى قد ذكر كرمه  
 الذى فاز برحمتى وطار فى هوائى ذكرك من فلى  
 الاعلى الذى بحركته فصد العارفون مقام الكفء ان  
 ربك هو البين عليهم ان المقصود بدعو الفاصدين و  
 المذكورين ذكر من ذكره وفاز بامر العظيم بامر البشر  
 فداى مالك القدر وبامر كرم بامر كبر البهامة هو المقدر  
 العليم الحكيم ان اسمعوا نداى وهو مواعلى نداك ما  
 فانت منكم فى يومى البديع لعنة لا ينفعكم اليوم شئ من  
 الاشياء ولا تشبكم كنوز الارض والسماء الا بهذا الاسم

الذى اذا ظهر خضع له ملكوت الاسماء امر من لدن قوى  
 قد بر كذا نزلنا الآيات وصرقنا ما كيف نشاء وانا المنزى  
 الكريم البهاء عليك وعلى اخيك وعلى كل من قبل قبل  
 الى الله وشهد بما شهد قبل الخلق انه لا اله الا انا العزيز  
 الفريد وهذا ما نزل بجانب انا جواد عليه بقاء الله قوله  
 جل وعز هو الشاهد الناطق العليم باجواد ان الظلوا  
 ثوجه اليك وبنكرتك بما يعنى براسمك بين العالم ان ذلك  
 هو العزيز الوهاب قد انزلنا الآيات واظهرنا البينات  
 والقوم اعرضوا بما اتبعوا كل غافل مرهاب طوبى لمن  
 بعمدا لله وميثاقه وويل لكل مشرك كفار انا اظهرنا لك  
 بجر البيان امام وجوه العباد منهم من اعرض ومنهم من كفر  
 ومنهم من عرف وقال لك الحمد يا رب الارباب انا نصيبك  
 بالعدل في كل الاحوال وبالامانة التي جعلها الله من  
 افضل الاعمال ان الذين فازوا اليوم بعرفان الله  
 اتهم من اهل الفردوس في الزبور والالواح كذلك زيننا  
 راسك ما كليل البيان لتفرح وتكثرتك الغنى النعمان  
 اننى طوبى لذي قلب وذى فؤاد وذى بصيرة  
 في مجود عنا بقاء الله مخصوص من ربك اذا ما في مذكوره

بحر فضل متواج و از سدره بیان و عرفان غریب فرموده  
 آنچه که سبب تقا و استغناء من فی العالم است انشاء الله  
 ابصار بشناسائی فائز شوند خدمت کل تکبر و سلام  
 عرض میشود از حق جل اجلاله مطلبیم از آیات منزله خود  
 تا را اتحاد ما بین احباب مشعل نماید بشا بنده کل حروف  
 یک کلمه مشاهده شوند و از اوراق یک شجره محبوبان  
 رَبَّنَا الرَّحْمَنُ لهُوَ الْمَعْنَى الْحَقِيبُ بشارت جدید <sup>انکه</sup> مسیحه  
 مناجات آنجبوب که در آن ذکر بجد بد عهد و بجد بد  
 میثاق و بجد بد ذکر و بجد بد ثنا و بجد بد شکر و بجد  
 حد و بجد بد اقبال و بجد بد غفران بود در ساحت امع  
 اقدس اعلی و ذروه علیا با صفاء مالک اسما فائز  
 هذا ما نطق به لسان العظمة قوله تبارك وتعالى يا سمیع  
 عرضت قبل از اظهار اصغاشد و حاجات فائز کت  
 و مراتب مذکوره در عریضه آنجناب بطراز قبول <sup>من</sup>  
 طوبی لك و لا ینک و اتمک و لا ینک و لو رفی ضلعک  
 و و رفی الاخری و لا یناکما و اودانی و الذین  
 یجتونکم خالصا لوجه الله الغریب البدیع ثم طوبی لك  
 با جدت عهدک و میثاقک و اظهرت شکرک و

حمدك و ابروت ما في قلبك في الشئ لله الفرد الواحد  
 العليم الخبير انك مغفور خطاياك من قبل ومن بعد  
 و نوث يدك فضلا من عندنا و انا الفضال الكريم انشاء  
 الله اهل ان دمار را از دخان و ظنون و اوهام باسم محبوب  
 امكان حفظ نماید از حق بطلب شأن دنیا را علی ما علی  
 ظاهر فرماید در این صورت کل از ما یعنی نجیب نمایند  
 باینی منتک کردند ان ربك له الصادق الامین انی  
 لله الحمد که آن محبوب با نچه عرض نمود فائز است و این عبد  
 از قبل آن محبوب بصد هزار لسان و بیان میخواهد شکر و  
 حمد محبوب عالمی نماید و لکن اگر در ساحت عزت حق جل جلاله  
 مقبول اند بصل ما پناه و بحکم ما پرید و هو الفوق العزیز  
 عرض خلوص ایتقانی را خدمت حضرت محبوب فواد جناب  
 نبیل جلیل علیه بجا آید الله الاهی برسانند انشاء الله  
 لازال با استقامت کبری بر امر مالک و روی قائم و نجد  
 مشغول لبشهادت حضرت کل الذرات همیشه امام وجه  
 مشهودند و خدمت جناب محبوب جان جناب اقا محمد حواد  
 علیه بجا آید الله و عنایت سلام و نکیر برسانند انشاء الله  
 در جمیع احوال از کوفت باقی بیاشامند و بد کس مشغول

و همچنین مخدرات که در آن بیت ساکنند و مخدزه عزیزه  
 خانم علیهن و علیها بجا آید الله کل را بکبر مبرمانم انشاء الله  
 از فضل و عنایت حق جل جلاله بجا یست و پوزی موقد  
 و موفق باشند اهل سراد و عصمت و عظمت بجمع بکبر  
 مبرمانند البهائم المشرک الا لایح من افق سماء و حد و بنا  
 علی حضرتکم و علی من معکم و علی الذین شربوا و حقی  
 الاستقامه فی هذا الیوم العزیز العظیم رخ آدم فی ۲۲ و بیع  
 عریضه عزیزه خانم علیها بجا آید الله و فی رسید که مجال  
 عرض نبود لذا انشاء الله عرض میشود و از بعد جواب علی ما  
 اراد الله ارسال میگرد و همچنین عریضه جناب شیخ باشر

هو الله تعالى شأنه العظمة والأقدار

حکم مفصود بر الایق و سزا است که کوثر حیوان عرفان را  
 من غیر ثنات و ملاحظه شئون بر جمیع من علی الارض عرض  
 نمود من الناس من وجد بعد ما قبل و اخذ بعد ما امر و  
 شرب باسمه العزیز الکریم و منهم من اعرض و انکر الی ان  
 قام علی اطلاق نور الله رب العالمین ان الصلوة الظلمة  
 اللاحه من افق عنایه الله والسلام المیراث الیها من شطر

رحمته التي سبقت الاشياء كلها على سلطان الاصفياء  
 الذي به انارت الارض والسماء وعلى اله واصحابه الذين  
 جاهدوا في سبيل الله الى ان ارتفعت كلمته بين الكوي  
 وخضعت لها اعناق العباد وبعد روي محبتكم الفداء  
 نامه محبوب نواد حضرت شيخ عليه السلام ملاحظه شد  
 لله الحمد بطران صحت وافعال ومحبت مرتين وفائزندان  
 خادم فاني از حق جل جلاله در جميع اوان واحيان بنگاه  
 مقامشان را سائل وامل وبعذار اطلاق نزد مولی  
 شد فرمودند انا نسئل الله رب الارض والسماء بان  
 يؤيدنا ويوقفه ويرزقنا خيرا لانه انتم لولي البرية لا  
 اله الا هو المقدر والقدير التلام عليه وعلى اخيه  
 وعلى اهلها في القاف ونسئله تعالى بان يحفظها  
 من ظلمة الدخان انه هو المقدر على ما يشاء بقوله كن  
 فيكون انتهى وايضا ذكر محذره اخذ جناب انا  
 ميرزا عيسى را مرفوم داشتند عرض شد فرمودند حق جل  
 جلاله جميع عباد از ذكر وانتي را مخصوص عرفان خود  
 خلق فرمود طوبى از براى نسيبكه بسبب وعلت خلق  
 خود اگاه شد بشانينكه ظلم ظالمين ومدافع مشركين ورا



از دین الهی منع ننمود عالم را کفر احاطه نموده و مخبر صادق  
با این خبر داده باید در لیبالی و اسرار و اصل و اثر  
بجمال عجز و اینها مال از حق جل جلاله بطلبیم و مستک  
نمائیم دوستان خود را بید عنایت حفظ فرماید و  
از جنود شرک و کفر و شک و ریب و ظنون و اوهام  
محفوظ دارد ان الله علی کل شیء قدیر بخیالورق سمعت  
حفظ الدر و تمکک بما و وبل للنافلاک و الغافلین  
جناب عیسی را سلام میرسانیم و او را بمرغوف و صیبت  
میتائیم اول امر که بردوستان الهی لازم است آنکه  
قلوب را از ضنینه و بغضا مطهر نمایند و از صفات  
سبی مقدس و منز و مبترا دارند و احکام الهی را  
بجمال روح و در چنان عامل شوند لعمر الله اگر بشنوند  
ندای مظلوم را عنقریب عالم یک وطن شاهد شود  
والسن یک لسان و قلوب یک قلب طوبی لمن ائتمک  
بما یمنعه و اعرض عن کل جاهل یجد انهنی و اینکه کبر  
اذن از جانب امده الله نموده بودند این فخر و حب  
ظا هر هم این آیام جا پز نه چه که فریظین در اطراف  
موجود و اسباب منبع مشهود از حق جل جلاله سائل

وامل که جمیع عباد خود بزبانت فائز فرماید و با اجر  
 زائین در نامه ثبت نماید آنه طو العفور الکریم لا اله  
 الا هو الفرد الواحد العزیز الرحیم و بکران محبوب هر  
 قسم مصلحت دامتد عمل نماید اگر مصلحت باشد همین نامه  
 را ارسال دارند و با صورت افزا و با صورت بعضی آن را  
 ان الخادم محتاج ان بحالف المحکمة المأمورة بما الیلام  
 علیکم ورحمة الله وبرکاته العاقبة للمتقین و الحمد لله رب  
 العالمین خ ادم لیلۃ ثلثاء شهر شعبان المعظم سنة

ذکر محبوب قواد جناب سمند و علیه بجا الله مالک القدر  
 فرموده بودند من عنایة الله وفضله ورحمته وجوده  
 وکرهه فیکل الاحیان یثرب کوثر الحیوان من کاس عنایة  
 ربه الکریم و لجناب القدر المعلى فی هذا الامر العزیز البدر  
 ذکرشان معروض فوله جل و عز با اسمی علیک بحاش  
 انه من حیثان هذا البحر وکوکب من کواکب هذه السماء  
 وکلمة من کتابی الاعظم و تفرقة من ثغرات الجنان علیها  
 و عنایتی فامثل الله بان یحفظه بقدره من عندی و یحفظ  
 مقامه باسمه القدر القدر انتهى

## هو الله تعالى شيئا من العظمة والامداد

روحي لحيكم الغداء <sup>سد</sup> دستخط آن محبوب دل و جان است  
 و در ملکوت بیان عرض شد فرمودند الحمد لله اسم خود  
 علیه بجائی بعتایات الهی فائزند از بد قدرت <sup>سراسر</sup> درین  
 آثار عجیبه ظاهر بعضی ملتفت و برخی غافل از حق <sup>بطلب</sup>  
 کل را آگاه فرماید تا بعد از آگاهی کواهی دهند <sup>بر آنکه</sup>  
 اهل حق بجهت اصلاح عالم و تربیت ام مابین خلق ظاهر  
 شده اند و لکن احدی بر این مقام علی ما هو علیه آگاه  
 نه لذا بعضی از علمای جاهل قوی دادند <sup>بر آنچه که سگ</sup>  
 جنت علیا و فردوس اعلی بنوحه و ندب مشغول <sup>لازال</sup>  
 فساد و ظلم از این نفوس غافله ظاهر بعضی که از عجز  
 هدایت اشامیده اند بمنزله بصره از برای <sup>هیچکس</sup>  
 و برخی بمنزله دخان از برای اهل امکان حایل <sup>شدند</sup>  
 مابین ابصار و مشاهده انوار جمال فائز <sup>چنانچه</sup>  
 مشاهده نموده و میباید که بر او پایی <sup>حق</sup> و اصفیای  
 در ارض طاهر وارد آوردند اسم الله را من غیر <sup>جرم</sup>  
 و گناه بقتوای ان نفوس شریره غافله <sup>مفوتند</sup>

و همچنین جناب علی قبل اکبر علیه بجاتی که لازال نامس  
جامل را بجز علم دعوت مینمودند و همچنین جناب ابوالفضل  
علیه بجاتی و جناب رضا علیه بجا، الله مالک الاسماء  
را فداشعل الغافلون نارا و لکن اطفأ ما بقدرته و  
سلطانه کذاک ففضی الامر من قبل باجود جناب سید نفی  
وارد و مکروب شارا عبد حاضر عرض نمود و مظلوم <sup>ان</sup>  
شتر فصر منوتها اليک باينکلمات ناطق از حق جل جلاله  
بطلبید کل را بما بخت و پرضی فائز فرماید و ناس را  
از شمال غفلت بپین آگاهی کشاند ان الله علی کل شیء قدیر  
اینکه اراده حضور نمود بد ان اصبر حتی بائیک المظلوما  
بجز اخ و دوستان ان ارض را طرا نکبر برسان و بگو  
لمراقبه از نظر محو نشد و بنشود جهد نماید که کاش  
خالصا لوجه و ناظرا الی افقه علی از ما و شما ظاهر شود  
که فی الخیفه سبب اعلا کرد اعمال نفوس شاهد  
و گواهند بین عالم بی لسان گواهی دهند و بیدار  
اخذ نمایند و نجات بخشند نسل الله بان بجمع بیتنا  
و بینهم بالروح و الریحان و هو المقدر علی ما یکون و  
ما یدکان انھی الحمد لله عنایت محبوب حقیقی اشهر

ز تار بر علم و از مهر از اشراق شمس ظاهر و باهر مشرق  
 و لایحک احیاج بذكر فانی نبوده و نیت جناب جیب  
 مکرم اقا سید فی علیہ ۱۰۰۰ نظر بفرمایش آنجنوب و  
 همچنین نظر با امام صوم رجوع نمودند و مستحظ محبوبی  
 جناب شیخ علیہ ۱۰۰۰ و عنایت رسید پیک مبارکی بود  
 با مرده فرح بخش هیشا لجنابه در دستخط خود ذکر  
 اجای الهی که در ارض ریش بیفرض حبس فائز شده بودند  
 نموده اند ان الخادم بشر الكل با طفاء النار و همچنین  
 ذکر سادات خمس علیهم ۱۰۰۰ را فرموده بودند مخصوص  
 اجای ریش علیهم ۱۰۰۰ الواح بد بعه منبعه از قبل و بعد  
 نازل و حضرت اسماء علیها من کل بجاء اجباء هم اسما  
 کل را در مساحت اندیس معروض داشته بودند و عمل  
 طبیب خالص که از حضرات سادات علیهم ۱۰۰۰ ظاهر شده  
 بود یعنی اعطاء وجه همین شخص مذکور و همچنین اتفاق  
 شخص دیگر حبس المکروب حضرت اسماء الله بطران قبول  
 فائز اینکلمه علیها ظاهر فرمودند طوبی از برای آن  
 نفوس که در این امام با اتفاق فائز شدند و از برای آن  
 مالی که باین فضل فائز کثرتی امر و ادای حق

الله عملت بسیار بزرگ صد هزار طوبی از برای تقوی که  
 بکتاب الهی تمتک جستند و آن عامل گشتند ذکر ایشان  
 و ذکر پیشکده اسماء در آن ساکن بود و نفوس یکجمله  
 مشغول بودند و نفوسیکه بجهت ملاقات نمودند بنا  
 در محن مذکور که این عباد و امثال او از ذکرش عاجز و  
 فاصرات حمد مفصود عالمیان را که آن نفوس عزیزه را فائز  
 فرمود با آنچه که لا مثل له و لا عدل له بوده دیگر چه عرض  
 نمایم از ذکر حضرت عندلیب علیه و آله و آله و عقبه  
 خیر سجن ایشان و ساپرد و ستان رسیدند نشیب  
 العبد با ذبال و داء رحمة ربه الغفور الکریم اگر چه  
 حق شاهد و کواصت که سخن و حبس و امثال آن در  
 سبیل الهی افضل از اعمال من علی الارض است چنانچه  
 مکرر اینکله علیا از ملکوت بیان استماع شد و لکن  
 نظر بعض جهات و نارحمت انسان بی اختیار از برای  
 مظلومین طلب فرج مینماید از حق مطلب کل بابا و  
 اهلینان و یقین مزین فرماید تا از بلاهای ارض که فی  
 الحقیقه وجود است بی محقق و لکن ثمرات آن در عالم  
 ملک و در فر عالم و کتاب علی بن محقق و ثابت خائف

و مضطرب نکردند در این ایام در بعض بیانات مبتدیان  
شهادت بمشابه اکبر اعظم است و کبریت امر در این ایام  
مذکور و غیر موجود نصیب هر کسی نبوده و نخواهد بود  
بالبت بالبت کان الخادم فی ارض الصاد و ورد علیه ما  
ورد علی جوهر ملکوت الانبیاء و سلطان الشهداء  
ولکن الامر قد فتنی و الفانی فی حیرت باری الحمد لله  
ذکر احتیاجی ریش با ایشان نمیشد دستخطهای معتدله  
ایشان رسید و آنچه در مدح و ثنائشان نموده اند  
بمشابه عرف و رد ایشان معارف منضوع مکرر ذکر  
شان مذکور و لکن ناچار نظر بجهت ارسال نشد و  
از رضا ابن عبیدم چیزی عرض ننمود و لکن قلب و  
نواد و بصر منوخته و کفی بالله شهیدا و در ذکر من  
صعد الی الله ظالم شد آنچه که فلوب را بجر اطمینان  
کشاند و نفوس را کاس ایشان بختد ظهور و کل  
امر مرهون بوفته از حق تعالی شان سائل و امل  
جمیع را بفرج اکبر فائز فرماید و در ظل فضل سرور و  
ان ربنا الرحمن علی کل شیء قدیر و بالاجابة جدیر  
یا محبوبی عالم را غفلت فرود گرفته از اعمال عباد است

که دین مبین و شریعت مستبد المریدین ضعیف شده بشما  
که هیکل شریعت ما بین دول برارض مستقر مرتقی است  
اعضای از امر باید و واحدی نادر بر منع نه بلکه نادر  
بر سوال نه صد هزار چشم باید تا بر ملت بیضا نوحه نماید  
از حق بطلبید دین خود را اعانت فرمایید اگر اعمال  
قوم مطابق و موافق شریعت غرا بود البتہ ضعیف  
نشدند و باین ذلت مشاهده نمیکشند اگر عی خاقل  
و محبوب معذک تقوی سبکه الله تکلم نموده اند و الله  
مشکمند و فی سبیل الله حمل رزاقا و بلا لاجل تو  
عالم نموده اند بر ایشان قیام کرده اند و بظلم تمام  
بعضی را اخذ و بعضی را نفی و بعضی را حبس و بعضی  
را غیب و قتل هر کوفه عذاب را در باره این تقوی مفید  
اجری داشته اند ان الخادم یسئل الله ربنا ان  
یؤتد عباده علی العمل بما امر و ابه فی کتابه بجا الانبیاء  
و المرسلین و السلام علی حضرتکم و علی عباد الله الخالصین  
و الحمد لله رب العالمین عرض دیگر حضرت شیخ علی  
سلام الله و عنا با نه در باره جناب حاجی احمد و این  
ایشان علیهما و در مفهوم فرموده بودند ایشان اند



از قبل اذن داشتند که توجیه نمایند انشاء الله تعالی  
 فائز گردند و همچنین ذکر و سجی نموده بودند اگر نقد بر  
 البته بجزات چه که آن محبوب بر امور این ارض مطلقند  
 و این عبد نظر بحکمت مخصوصاً خدمت محبوب جناب  
 شیخ علیه من کل اجماع چیزی عرض ننمود الحمد لله  
 مذکورند و بعنايات مخصوصه مخصوص و فائز السلام  
 علیه و رحمه الله و برکات خ آدم فی لیل ثانی شهر رمضان المبارک

هو الله تعالى ثانه العظة والافئدار

الحمد لله والصلوة والسلام على الا نبياء والمرسلين الذين  
 جلهم الله مظالم نفسه ومشارف وجهه ومهابط علمه  
 مخازن لثالی عرفانه ومكان تقايس اماناته وعلى اوليائهم  
 واجباهم وابنائهم ثم الصلوة الظاهرة الباهرة الشيعية  
 المثلثة على سبدهم ومبدئهم وخاتمهم واخرهم وعلى  
 اولاده وصحبه الذين نبذوا العالم لامر الله رب العالمين  
 وبجد روى لذكركم الفداء مكروب المحبوب از برای  
 قلب سراجی بود روشن و منیر و بجا فیه مترت و مجتهد  
 و بعد از فرستادن و اطلاع لدى الوجه عرض شد و همچنین

نامه محبوب فواد حضرت مس م علیه بجا آمده الایمی و  
مچنین مکتوب جناب آ میرزا مهدی علیه و آله و آکا ارباب  
داشته بودند بشرط اصنافا فائز فرمودند انشاء الله  
بنابت الهی فائز باشد و فرات ذکر و بیان در ثنای  
محبوب عالمیان از مطلع کلامشان جاری و جاری شود  
چه مقدار از نفوس که آنچه برایشان القا میشود بمثابة  
حضرة حواء بی اثر و اثر مشاهده میکرد و چه مقدار از  
نفوس که بجز اصناف حقیف سدره الهی زفرائش منحصرا  
و عبرتشان نازل ملاحظه میشود اینست که میفرمایند  
اصحاب الیمین و اصحاب الشمال امروز کل از تفرص  
ضری دید میشوند آامن شاء الله اثر صور عالمرا  
احاطه نموده و کل کائنات تجل خاویه ملاحظه میشوند  
از حق بطلبید که اسرافیل روح درها کل مطر و حشر  
بد مدد میدهد بنکه کل بغیص جات جدید بدیع فائز  
کردند و بالملک لله رب العالمین ناطق شوند امروز  
است که سکر کل را اخذ نموده طوبی از برای تقسبکه  
شونات بر او را از منظر اکبر محروم ساخت فلان  
اذکر الهدی من قبل المظلوم و فل طوبی لك بما ابلک

الى الأفق الأعلى وفصدت المفسد الأضنى والذرة  
 العليا وما منعك جنود الغافلين وضوضاء المعرّبين  
 ان احمد الله بحمد الفضل الأعظم وقل يا الهى وعزتك  
 وجلالك وجمالك ورأفتك ورحمتك وسلطانك  
 لو تكون لى لاكون مستغنيا عن العالم ولو بنو تجرالى  
 عبدك طرفك لا دفع عني ظلم الأمم انت الذى  
 خلقتنى ورزقتنى واظهرتني وريبتنى الى ان يفتنى  
 يا با دى الطافك كئوس عرفانك على شأن اقبلت  
 اليك بقلبي ونطق بذكرك لساني ونوحي الى افق  
 ظهورك وجهي ابرق ثرائي مطروداً لامسك وياثراً  
 في البلاد في سبيلك اسئلك بان تؤيدني بكل  
 الأحوال على ما كنت عليه يا مالك العزة والجلال  
 وسلطان القدرة والأجلال لا اله الا انت القوي  
 الغالب المقدر القدير انتهى <sup>الله</sup> الحمد بعنايت <sup>كريم</sup>  
 جل جلاله فائز شدند و در ساحش مذکور آمدند <sup>که</sup>  
 هر حرفی از ان شهادت میدهد بر فضل و رحمت و عفا  
 انشاء الله بان فائز شوند و از ناپس بروج جدید <sup>فائز</sup>  
 کردند انرا على كل شیء قدر اشعار محبوب قلب و نوال

جناب شیخ علیہ بجا، اللہ الابی درماعت امنع اللہ  
عرض شد فرمودند قد معناترہ فی ثناء اللہ و ذکرہ  
و کذلک نظمہ عاشق صادق را در هر چہ حالتی است کہ  
ذکرش فوق اذکار اہل ناسوت الحمد لله فرات ذکر  
از ایشان جاری و عند لب بیان برسدن فرادش  
مغرم آنا ذکرناہ ب ذکر جیل و اقرننا لہ ما فرقت بہ چون  
المارفين نکیر من هذا المقام علیہ و نصلى على النبي  
فاذوا في آيام الله و تمکوا بجملہ البین انہی نظم ایشان  
بغنی مجوی جناب حاجی شیخ علیہ بجا، اللہ و عناء  
فی الحقیقہ بکمال روح و رجحان مزین بود کان الخادم  
و جلد منہ عرف خلوصہ لله ربنا و رب من فی السموات  
و الارض و برجو من الله ناسدا و توفیقہ فی امور  
الدنيا و الآخرة انه على کل شیء قدير ہنثالہ و مرثا  
لہ عرض دیگرانکہ و جی درجائی نوشتہ اند موجود  
است حب الامر باید ب حضرت م م علیہ بجا، اللہ  
برسد کہ ایشان مبلغ بہ آنرا جناب ع علیہ بجا، اللہ  
عناہتہ برسانند و بہ جناب آ محمد نئی علیہ السلام کہ جناب  
والد خود برسانند کل پناہ نومان میشود ہر هنگام رسید

برسانند ذکر حضرت ع و اولیا سلام و علیهم که در  
سبب حق و فی سبیل الله میجویند در لیاالی و آیام در  
ساحت ارفع اقدس مذکور این عبد خدمت ایشان <sup>بکبر</sup>  
و سلام بکمال خضوع و خشوع مبرسانند که در هم و  
که اقبال هم ولو چه الله جلهم طویب لم ولن بدن کریم و  
چشمهم فی سبیل الله رب العالمین در این سنه مبارکه  
مرتبه که محل با ما و ضرا وافع او از اهل سخن محسوب  
شد از این فخر عنایات الهیه نسبت با اهل سخن معلوم  
و واضحست طویب للعارفين و طویب للمتقين و  
الحمد لله رب العالمین اگر جواب بعضی از اولیا تا آخر  
شد و پابشود باسی نه چه که آنحضرت حاضرند و بر  
کثرت اشغال آگاه و فوف کل ملاحظه حکمت حسب امر  
الله العلیم الحکیم انشاء الله این آیام ارسال میشود آنچه  
از برای بصر عالم بشایه کحل جواهر است و از برای <sup>هیچکس</sup>  
بمنزله فواد الامر که مالک الایجاد خدام فی <sup>مهرام</sup>  
محبوب مکرم حضرت سر م علیه بآاء الله الایم ملاحظه فرمایند

بسم ربنا الأقدس الأعظم العلی الاعلی

الحمد لله الذی یبطلون لیان عظمته فیکل الأحوال بانطق

فبلى خلق السموات والأرض انزل الله الاموال والواحد  
الوقاب وانزل الكتاب فضلا من عندك وشرع فيه  
ما ينهى للانسان تعالى الرحمن مالك يوم المآب والصلوة  
والسلام على الذين بدأهم نصر الله امره ورفع حكمه  
وانتشر امانه في الممالك والبلدان وبعد ان نجر ان محبوب  
ارسال فرمودند رسيد بيان مطمع بيان جديد و  
ذكرش محبط سرور وابتهاج وبعد از عرض اينكلمه عليها  
از فوق اعلى قال قوله يا ابراهيم انظر من شئ توكل في  
الامور على الله المهيمن القويم ثم انظر فيها بالحكمة و  
البيان ان ترث يدك ويعلمك ما اراد وينجيك فضلا  
من عندك وهو المقدر الفضال قد سمعنا ذكرك و  
ثناءك وخضوعك وخشوعك وابتهالك وذكراك  
بما لا يوصف بالاعلام نزل الله بان لا يمنع عنكم قرآن  
وحينه التي سبقت الكائنات اليها عليك وعلى  
اوليائك في هناك الذين ما تركهم عواصف الغافلين  
واقوالهم واعمالهم في ايام الله مالك الرقاب انتهى  
دستخط انحضرت جنيبك رسيد در جواب فوق العاده  
بجمل رفت كه شايد خبرى بجزرنا اسم ده برسد چه كه

مدتهاست از ساحت اقدس با ایشان ذکر عنایتی بر حسب  
 ظاهر اظهار نشده اگر چه آنچه نازل میشود مشورت بذکر  
 ایشان و لکن نظر بحکمت تا حال لیکن چیزی ارسال نشده  
 لذا حال باختصار با ایشان و همچنین نفوسیکه در دستخط  
 ایشان بودند چند لوحی از سماء عنایت نازل و ارسال <sup>مذکور</sup> شد  
 با ایشان برسانند و مکتوب مفصل از این عبد که حامل  
 بیانات الهیه بود از مشرد دیگر ارسال شد انشاء الله اعظم  
 میرسد و لکن آن محبوب باید بسیار سزا نمایند یعنی آن  
 اصحاب ارض طایفه اگر در آن ارض منتشر شود بهم ضرت  
 از برای مجویین و غیرهم چند لوح هم مخصوص دوستان  
 آن ارض نازل انشاء الله ارسال میشود و اما بان که در  
 دستخط آن محبوب ذکر شده بود کل بذکر حق جل جلاله  
 نازل شدند کمال عنایت نسبت بمرکز ظاهر و مشهود  
 انشاء الله آثارش در ارض بشایع اعلام ظاهر و هویدا  
 گردد اینفانی هم خدمت کل اظهار نبی و قیامت نماید مخصوص  
 خدمت آقای مکرم جناب نبیل جلیل علیه بجا الله الایم  
 البهاء المیرف من افق الفضل علی حضرتکم و علی اولیاء  
 الله و اصفیاءه الذین بذکر و تدفی العتی و الاشراف

والحمد لله مالك يوم الطلاق خادماً . اشهر تيمم الحجر من سنة  
 محبوبكم جناب نبيل ابن نبيل عليه . ووالطافه ملاحظه فرمها  
 هو الله تعالى في ثبوت العظمة والافئدة

الحمد لله الذي انزل النعمة واتمها ما نده ترك من سائر فضل  
 وهي تعتبر بكل لسان بشئ وهي النعمة التي من فاز بها لم  
 ياخذها الجوع ولا يبتها الاضطراب وفي عرف الالهيين  
 تعتبر بما الحظيفة الاولى والنقطة الواحدة في السر الاحد  
 حبيب مالك الاسماء ومجوب من في الارض الذي <sup>والتبارة</sup>  
 سمي بمحمد صلى الله عليه وعلى اله وسلم بين الوردى  
 هو كتاب ختمت به امرار المبدئ والمآب من لدى الله  
 المقدر والغرب الوقاب والصلوة والتلام عليه وعلى  
 اله واصحابه الذين بهم رفعت رايات الخفيق وفك ختم  
 الرجوق وفاض بحر التوفيق وعلى الذين علموا بما امروا  
 به من لدى الله العليم الحكيم وبعد فدا الخادم الفاني  
 بكتابكم العالي ووجد منه عرف حبهم وخالوصكم وخشوعكم  
 وخشوعكم لله وحده يشهد الخادم بانكم قرتم بانوار التوبة  
 ومقام التفريد ومسجتم في بحر العزبان الى ان ونفتم على  
 لؤلؤ البيان ومرجان المعاني بمثل الخادم وقبر بان



یؤتیکم و یفریکم و یوفیکم علی ما یحب و یرضی اگر چه  
 فی الخیفه ان محبوب باین مقام فائزند و لکن چون دعا  
 محبوبت و رضا فوق مقامات اینست که گاه گاهی خادم  
 باظهار اینکلمات جبارت مینماید فی الخیفه هذا مقام  
 کبیر عظیم ما اطلع به الا هو و بعد از اطلاق و اکامی تلقاء  
 وجه عرض شد فرمودند الحق معه قد نطق بالصدق  
 نشئل الله بان یؤتی عبادہ علی الھل الخالص و التکلم  
 بالصدق و علی البر و التقوی انہ علی کاشی قد برانی  
 و اما در باره جناب حاجی علی اصغر علیہ السلام و عنایت  
 مرفوم داشتند ذکر ایشانرا مکرر محبوب جناب امین  
 علیہ السلام عرض نموده اند و مخصوص ایشان این آیات  
 شمس اذن از افق اراده مشرق و لکن چون هوا منقلب  
 و همچنین بحر منقلب صبر اولی اگر در آن مدینه و اطراف  
 توقف نمودند بعد از سکون توجیه نمایند اگر چه حافظ  
 حق جل جلاله بوده و امواج بحر من غیر اراده الله حرکت  
 نموده و عنایت با ظاہر نشد و نمیشود و لکن مقصود  
 آنکه در این فصل زمرگان بحر خالی از لیب و رحمت  
 نبوده و نیست لذا رحمت ایشان نزد این خادم محبوب

نه و همچنین فرمودند اگر شغلی هم برسد که بیاید راجشند  
 اجر افتاد در باره او عنایت مایشود از من نازند ملازم  
 و فرزند محبت الله الغریب الحکیم انھی ابتغانی هم حدیث  
 ایشان تکبر و بیلام مبرساند عرض دیگر آن محبوب  
 عمل نماید حسب الامر بوده و هست چه که در اول فرمودند  
 با نفوس معروفه مخالطه کلی جا بزنه چه که اموال مردم  
 زدا ایشانت و کبرای ارض منتظر بماند لذا با بد بکلا  
 حکمت رفتار شود بما فرین هم تفصیل گفته شد و میشود  
 ان ربنا الرحمن هو الرؤوف العطوف امرای که الله واقع  
 شود محبوبت و مهمن است بر امور آخری هذا ما سمعت  
 من لسان من ينطق اليوم في قطب التيجن بما يضطرب به  
 عقول الضعفاء وافئدة البلاء بشارت آخری آنکه  
 در صبحه یوم سبت ۱۰ صفر بوکالت ان محبوب روحانی  
 بشارت و طواف قافز و بیقول مرتین الحمد لله با مرطبی  
 ختم مکروب شد السلام للرفیق من انق دار السلام علی جنابکم  
 و علی الذین تمکوا بالبروة الوثقی و عملوا بما امروا  
 به من لدی الله مولى الوری خ آمم

فی ۱۰ شهر صفر سنه ۱۳۱

حبيب روحاني جناب نبيل بن نبيل عليه وور الملك العزيز  
المجيد، ملاحظه فرمايند

هو الله تعالى شأنه العظمة والأقدار

المحمد لله الذي نور الأمان من النور الأناج المشرف من  
افق سماء الحجاز وبه اضاء العالم ونور الأمم وظهر ما كان  
مكتوبا في العلم ومطورا في كتب الله رب العالمين و  
بحور الصلوة والسلام وطعام الرحمة والغزوة والشأن  
عليه وعلى آله واصحابه الذين بهم ثبت ما انزله الرحمن  
في الفرقان ورفعت اعلام الهداية بين الأنام وعلى  
الذين اتبعوه وعلوا بكتاب الله مالك المبدئ والمآب  
وبعد فدا جندب الفاني ذكركم وثنائكم وبيانكم  
وما ظهر من فلكم في ثناء الله واوليائه واصفيائه و  
سفر آئه اسئله تعالى بان يوفق الخادم على ذكر  
ذكره وثناء من اثناه ويؤيد على الاستقامة على حبه  
وذكره وامر انه هو الذي شهد بافتدائهم من في  
الملك والملاوت وبلطانه من في الغيب والشهود لا  
اله الا هو العزيز الواحد العليم للحكيم با حبيب فلي  
حُب ثمان لا زال ودر قلب وذكرا ن ازلسان جار

و از حق مستلک مینمایم که در جمیع احوال شمارا نامید  
 فرماید و در اعمال و افعال و تجارث و افتراث نصرت  
 نماید ان الخضوع و الخشوع و الطلب و السؤال من لیسید  
 و الاجابة من الله ربنا و ربکم و رب من فی السموات  
 و الارض اگر اخبار این ارض را بخواهند از فضل حق  
 جل جلاله کل بیعت سلامتی مرزوف حزب فان بالاسنفا  
 الكبرى و یشریب من صافی کاس التسلیم و الرضا و  
 حزب بلو مرقه و یسفل اخوی و الاخوان العلم عند الله  
 مالک الوری و لکن از حق مبطلم کل را مؤید فرماید  
 آنچه مقصود است و مؤید نماید بعل با نچه در کتاب  
 او است امر و ذی الخفیه حزب الی محاط و سائون  
 محبط مشاهده میشوند چنانچه مشاهده فرموده اید بلاد  
 اسلام را بیها نمای مختلفه اخذ نموده اند و فت آمد که  
 جمیع بکمال نوحه و تدبیر و عجز و ابتهال بغی منعال توجه  
 نمایند که شاید بحر رحمت بوج اید و اقباب فضل شرف  
 نماید و ذک بجزت تبدل شود و ضعف بقوت باد  
 آنچه بر امت مرحومه وارد شده و میشود از خود ایستاد  
 است بقول من قال این همه از قامت نامازی اندام ما

تفکر در عزت اسلام از قبل نماید که بچه مقام رسیده  
 بود و حال در ذلک وارد استغفر الله العظیم مما قلت  
 اقول اتمتع من بقاء و بذل من بقاء بونی و ینبع له  
 الخلق و الامر و هو الفوق الغالب المقدر و العليم المحکم  
 اگر حکمت اقتضا نماید دوستان آن ارض را از قبل این  
 فایز سلام و تکبیر برسانند این عبد از برای کل ناسید  
 نوفیق طلبید و مبطلید الامر سید بفعل ما بقاء و بحکم  
 ما برید و هو المقدر و الخیر من الجهد و السلام و الرحمة و  
 التکبیر و البهاء علی جنابکم و علی عباد الله المخلصین و الحمد  
 لله رب العالمین کاغذ و نغم کل و پیا ز نرس و سنبل که  
 ارسال داشتند رسیده انشاء الله باسم آجتاب آن بجز  
 فائز و این برقع مقنن و المحکم لله مالک القدر خادما  
 فی ۲۳ شهر جمادی الاولی سنه ۱۲۳۱

محبوب مکرر جناب من م علیه بجا الله و عنا باثر ملاحظه فرمایند

بسم ربنا الامنع الاقل من العلی الایمی

الحمد لله الذی جعل اسم الایمی نوراً و رحمةً و شرفاً و دخر

الاصحاب الهدى و نارا و همرا و سهفا لاهل البنى و الفخمة  
 تعالى من ارتعدت باسمه فرائض الخائنين و نزع بدكره  
 بنیان المشركين انزلهم و الفزد الذى ما منعته حجابات الغوغ  
 و لاسجحات الذين كفر و ابا اليوم و الصلوة و السلام على  
 انبيائه و رسله الذين اتفقوا ما عندهم فى سبيله و ما  
 على خدمته امر على شأن انثرت رايانه فى البلاد و اد  
 اعلام هدايته بين العباد و بعد و سخطا آن محبوب  
 حنفى با بن عطشان بن شيد آنچه را كه زلال خال را و  
 نور افان را بعد از فرائض و اطلاع فصد مفصد اعلى غوغ  
 در ساحات امن افدس عرض شد فرمودند نبويين نجبا  
 من مظلوم و صبت مينا بد جمع را بصبر و اصطبار  
 و سبكه و وفاد بنا بد افندة مفترين و مخلصين از افنا  
 ظالمين و عافلين مكد رشود امثال ان نفوس در هيچ  
 عهد و عصر اطاعت امر ننوده اند و بكمال ظلم و اعنتا  
 بر مظاهر امر الهى و مشارون وى حمدان وارد آوردند  
 آنچه را كه كل شنیده اند و لكن عند الله از براى اين هيچ  
 رعاى قدرى و شأنى بنوده و نهىت بايد دوستان الهى  
 در جميع امور بچون توكل نمايند و با و نفويض كنند و بد

باره جمیع من علی الارض در لپالی واپاء بکمال عجز  
 و اینهمال عنایت طلب نمایند که شاید از بحر حیوان  
 محروم نمایند و با ثمار سدن انسانی مرزوف  
 شوند و باید در کل احیان و صابای الهی را امام  
 عیون مشاهده نمایند و غفلت نکنند نفوس غافله  
 بجنود شریره بر اطفاء نور الهی قیام نموده اند شاید بجنود  
 اعمال طیبه و اخلاق مرضیه نصرت نمایند حق  
 بنفسه قادر و توانا است آنچه اراده نماید فی الحین ظاهر  
 و موجود است قدرش مبین است بر قدرتها و اراد  
 اش غالب بر اراده من فی الارض و السماء ان  
 الظالم ینصرون علینا بقوة جنوده ونحن ینصرون  
 بالقریب القوی الغالب القدر کاذب چه عمری <sup>و در شب</sup> و در  
 بچه مقام رسید و رفتا چه منفعت برد لعل الله کل فی  
 خسران مبین اگر ناله یکی از ان نفوس اصفا شود جمیع  
 من علی الارض بفرح آیند با ستم نفوس سبکه این امام  
 فی سبیل الله خدمت نموده اند و اسرار منزل داده اند  
 و با توجیه نموده اند کل در صحیفه حمر از قلم اعلی مذکور  
 و مسطور سوف بکافهم الله مکافانا حنا و بجزیم

الله جزاء عظیمها انہ علی کاشی قدر انھی لله الحمد  
 بعنايات الهیة فائز بوده و هندی حب الامر محبوب  
 جناب ابن ابر علیہ بجاؤ الله و عنایت بنویسد در  
 ارض ط توقف نما بند الهی چندی خارج با<sup>شد</sup>  
 اقرب بنفوی بوده و هفت و جہ زش را کہ جناب شخص  
 مخصوص ابداء الله تبارک و تعالی از بابت حقوق<sup>دا</sup>  
 نمودند نعماله و طوی له و حال حب الامر آن پنجاه  
 نومان که اول حواله شد اگر برسد بیست نومان آن را  
 در ارض کاف بخذره معظمه ام حرم علیها بجاؤ الله الا<sup>ح</sup>  
 برسانند و می نومان بجناب محبوب ابن ابر علیہ  
 مالک القدر و از بعد هم انشاء الله میرسد و وجه  
 پنج واحد که مخذره ضلع من سعد الی الله علیها بجاؤ الله  
 از بابت حقوق و اکذاشند اند ذکر رسپدا و در لوح  
 و رفر مخذره از سماء مثبت نازل و بطراد قبول فائز  
 و حب الامر وجه مذکور را در ارض خا بجناب حبیب  
 روحانی عز علیہ بجاؤ الله و عنایت برسانند  
 چه که ایشان مدیون شده اند و هر چه زودتر برسد  
 لدی الله اجبات برایشان ظلم واقفند و مبالغی



از ایشان اخذ نموده اند اینک ذکر انانی معظم حضرت  
 اسماء و علیها من کل اجماع فرمودند آنچه ارسال شد  
 از دستخطهای ایشان رسید جواب هم دو کتبه ارسال  
 شد در هر حال جناب الله غالب بوده و خواهد بود و  
 سخن ذکر ایشان و الذین مع حضرت اکثر اوقات بیان  
 مخصوص در ساحت امنع اندیس و اهل مرادق عصمت  
 و عظمت جمیع عالم شهادت میدهند بر تقدیس و تقرب  
 و زهد و صلاح و فلاح ایشان و همچنین بر ظلم و تعدی  
 و اعساف و کذب و نفاق نفوسیکه سبب خراب  
 حق جل جلاله شد اند فرمودند بنویس با اجماع التوحید  
 الی الوجه در بیان نافی ناس نفکر کن اسم الله که جز صلاح  
 و اصلاح نتوانسته و در لبالی و آیام بخدمت انام مشغول  
 ذرات کائنات شهادت میدهند بر صدق و صفا  
 و امانت و دپانت و مظلومیت ایشان و همچنین بسیار  
 میجوین معذرت عدل را کذا شدند و بدون آن عامل  
 شدند انهی این عبد فانی در لبالی و آیام ان  
 مالک انام میطلبد که ایشان را بجای عطا فرماید و  
 لنا معذرت نماید ای ربنا القدر علی کل شیء حکیم اینک

در باره جناب مکرم جناب حکیم علیه و آله مرفوع دانستند  
 ایشان از مدینه کیهن وارد بیروت شدند و توجیه نام  
 نمودند تا حال با این ارض وارد شده اند هر جا هستند  
 انشاء الله سالم باشند و در ظل عنایت مزین اینک  
 در باره مخدومی جناب مین علیه بجا آمد الله و عنایت  
 مرفوع داشتند بلی این امورات با ایشانت و فی الحقیقه  
 بکمال همت بر خدمت پیام نموده اند لیل و نهار مشغولند  
 از حق این خادم قاف منبطلید که ایشانرا مؤید فرماید  
 اگر چه کدام ثابت است اعظم از اینک خدمتشان بقبول  
 فائز شد در این ایام مکتوبی با این عبد نوشته اند  
 انشاء الله جواب ارسال میشود آن محبوب اگر با ایشان  
 چیزی مینویسند ذکر عنایت حق را نسبت با ایشان  
 مذکور دارند و آقا در باره وجه آن وجه را که موافق  
 فلک و آن محبوب برادر مکرم جناب حاجی خلیل علیه  
 داده اند و با این اتفاق فائز شده اند و ذکر عنایات  
 حق جل جلاله در باره ایشان از قبل شد و اینک بحسب  
 جناب عرب علیه بجا آمد الله الایمی بان محبوب نوشته اند  
 و سپرده اند که خبر ثانی از ایشان برسد بسیار خوب است

بیست بار آیه ایشانت و جمیعکے محذورم مکرم جناب امین  
 علیہ السلام برات فرستاده انداز بابت حقوقیت که بنا  
 بود جناب حاجی علی علیہ السلام و حضرت اح علیہ منکسر  
 بجاء اجماع برساند و ایشان این مبلغ را با محبوب برسانند  
 تفصیل آنهم از قبل عرض شد که باید یک کاف و جناب این  
 امر برسد دیگر چه عرض نمایم از جناب عب علیہ السلام  
 الله الایمی و ما ورد علیہ فی سبیل الله بسیار ایشان  
 سخت گذشته یکطرف ظلم مشرکین و معاندین و یکطرف  
 ظلم منافقین داخلین ظلم ثانی اعظم و اکبر چنانچه بعد از  
 عرض این فقره در مساحت منع اقدس ایشان عظمت باین فرود  
 ناطق نم ما قبل من قبل و ظلم ذوی القرب اشد مضاً  
 علی المرء من وقع الحجام المحدث فی الخفیفة اینست این عبد  
 بسیار مختصات از نفوسیکه بقدر پشه و فرزندارند و  
 باندازه ذباب ثبات مریت زمین جنبند های ارض  
 احسن ازان نفوس بوده و هستند فی الخفیفة ان نفوس  
 قابل این مقام نبودند و از صافی امتحان بیرون رفتند  
 صد هزار شکر محبوب عالمیاز که ایشانرا موید فرمود  
 سبیل محبتش محل رزاقا و بلا پانود آنچه وارد شده الله

بوده و الحی الله راجع اینک ذکر محمد و مکرّم جناب  
 نبیل مسافر علیہ بجا آید و عنایت فرموده بود قد  
 عرض شد لله الحمد ایشان بعنایت فائزند و لدی الوجه  
 مذکور بعد از عرض اینکلمه علیا از ملکوت بیان ظاهر  
 قوله عزّوجلّ انشاء الله مؤید باشند بر آنچه مزبور است  
 ان ذکر من قبل و بشر برحمتی و عنایتی انشاء الله محفوظ  
 باشند و بعنایت حق مزین در انجمن معانی ذکرشان بود  
 و صفت و در دستان عرفان رحمن بمثابة منزهند  
 منبأله من لدی المظلوم المموم انھی ابن عبد قافی  
 خدمت <sup>ایشان</sup> تکبیر و سلام میرساند و از حق جلّ جلاله <sup>طلبید</sup>  
 ایشانرا مؤید فرماید بر آنچه باقی و دائم است و اینک  
 از جناب برادر مکرّم اقا شیخ محمد علیہ بجا آید الله ذکر  
 نموده بودند این آیام عرابضی ازان اسطوار رسید  
 بیوتیست جیب روحانی جناب شیخ ابوالقاسم علیہ بجا  
 الله و ذکر جناب اقا شیخ محمد در او بوده از فرار معلوم  
 بیجاوت مشغولند جواب عرابض از سماء عنایت نازل  
 انشاء الله ارسال میشود بثل الخادم رتبه بان بود  
 علی ذکر و ثناء و خدمت مزامره و بقدر له ما یفقره فی